مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۱۳، دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸
تک شماره پانزده ریال

در گردهم‌آئی پرشکوه و شورانگیز برمزار خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، ده‌ها هزار نفر یکصدا گفتند:

روزبه قهرمان، راهت ادامه دارد!
درود بر روزبه، افسر حزب توده

صفحهٔ ۳

درمراسم بیست‌ویکمین سالگرد شهیدبزرگ خسرو روزبه، باردیگرپیوند ناگسستنی حزب‌تودهٔ‌ایران باخلق‌زحمتکش‌ماتائیدوتحکیم‌شد

امپریالیسم امریکا ـ خطرناکترین دشمن انقلاب ایران

از پی ترور تبه‌کارانه دوتن از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی ایران، یعنی سپهبد قرنی و آیت‌الله مطهری، سازمان‌های جاسوسی امریکا و دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم‌جهانی و کارگزاران ایرانی آن‌ها تلاش مذبوحانه‌ای به‌کار بردند تا ترور این شخصیت‌ها ی‌سیاسی و مذهبی را به نیروهای چپ و کمونیست ها نسبت دهند.

همزمان با این تلاش، نیروهای راست‌گرای جنبش نیز کوشش‌کردند که نظرها را ـ در جستجوی عاملان ترور ـ به‌سوی نیروهای چپ و کمونیست‌ها معطوف سازند.

ولی این تلاش‌ها و کوشش‌ها عقیم ماند. مردم ایران با احساس

بقیه درصفحهٔ ۶

اعلام خطر
از صنایع ملی و اقتصاد مستقل باید قاطعانه دفاع کرد

یکی از سخنان تعجب‌آوری که بینندگان تلویزیون، ضمن آخرین سخنرانی آقای نخست‌وزیر شنیدند، مطلبی بود که درباره ذوب آهن، یا دقیق‌تر بگوئیم، صنایع‌فولاد ایران عنوان شد. ایراد این سخنان درباره «زیان‌بخشی» این صنایع پس از اظهارات قبلی چند تن دیگر از دولتیان، نشان می‌دهد که چنین حرف‌هائی محض رعایت قافیه و همینطور «هوائی» زده نمی‌شود و

بقیه درصفحهٔ ۴

خانهٔ روزنامهٔ «مردم» و دروغپردازی‌های شایعه سازان

دشمنان حزب تودهٔ ایران از پخش هیچ شایعه و دروغ رذیلانه‌ای علیه حزب ما فروگذار نمی‌کنند. به‌تازگی خانه دفتر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران، آماج شایعه‌پردازی این فرومایگان قرار گرفته‌است. عناصر شایعه ساز نخست دعوی کردند که حزب تودهٔ

بقیه درصفحهٔ ۶

دادگاه‌های انقلابی یکی از مؤثرترین تحکیم کنندگان بنیاد انقلاب کبیر ما هستند

«وفی‌القصاص حیات یا اولوالابصار»

دادگاه‌های انقلابی یکی از عالی‌ترین پایه ها و موثرترین تضمین‌کنندگان پیروزی نهائی انقلاب کبیر و همه‌خلقی ایران‌اند. چرخ‌های این دادگاه‌ها را خون پاک‌بیش از صدهزار نفر از ارزنده‌ترین فرزندان خلق‌های ایران، زنان، مردان، نوجوانان و حتی خردسالانی به‌گردش درمی‌آورد، که در طول همین یک‌سال اخیر به‌دست دژخیمان رژیم طاغوتی منحله به‌خاک ریخته شد، تا بهار آزادی را در میهن مالاله‌باران کند. این چرخ‌ها باید آنقدر در گردش باشند تا هرگونه زمینه بازگشت دوران طاغوتی را، بهرشکل و صورت که درآید، غیرممکن و ممتنع سازند. بی‌جهت نیست‌که هربار که چرخ‌ها به‌کار می‌افتند تا وظیفه

بقیه درصفحهٔ ۴

حقیقت بزرگ هرروز نمایان‌تر می‌شود

مادری با دختر شش‌ساله‌اش به‌دفتر «مردم» آمدند. دختر صندوق کوچکی در دست داشت. مادر گفت: دخترم مطلبی برای گفتن دارد. دختر در صندوق را بازکرد. در صندوق یک‌گردن‌بند، یک‌انگشتری، ۱۲۵۷ ریال پول و یک لیمو بود. دختر گفت: اینها را برای حزب پدرم و خودم آورده‌ام.

کمک مالی به حزب تودهٔ ایران یک وظیفهٔ انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، پس از سی‌سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به‌تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف ازجمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به‌حزب تودهٔ ایران یک وظیفهٔ انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرورانگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به‌پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به‌دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۳۵۷۲۸، ۹۳۴۴۵۹ ـ آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به‌حساب بانکی زیرین بپردازند:

شماره حساب بانکی: ۳۲۳۲، شعبهٔ ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایرا ن‌نوین سابق).

اطلاعیهٔ
دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

دروغپردازان و شایعه سازان انتشار داده‌اند که روزنامه «آهنگر»، که گویابه‌جای «چلنگر» منتشر می‌شود، وابسته به‌حزب تودهٔ ایران است.

بدینوسیله به‌اطلاع همگان می‌رساند که روزنامه «آهنگر» هیچگونه ارتباطی با حزب تودهٔ ایران ندارد و نمی‌تواند داشته‌باشد، به‌این‌دلیل ساده که مشی سیاسی روزنامه «آهنگر»، آشکارا مخالف با مشی سیاسی حزب تودهٔ ایران است.

لازم به‌یادآوری است که روزنامه «آهنگر» به‌ناحق و نادرست از نام «چلنگر» و محمدعلی افراشته، شاعر توده‌ای و ناشر روزنامه «چلنگر»، به‌اشکال گوناگون استفاده می‌کند، که این روش به‌نوبه خود به‌شایعات مبنی‌بر وابسته بودن آن‌را به‌حزب تودهٔ ایران دامن می‌زند. این روش ناروای ناشران «آهنگر» نیزمورداعتراض جدی حزب تودهٔ ایران است.

دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

۲۲اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸

قرارداد دوجانبهٔ نظامی و کلیهٔ قراردادهای نظامی با امریکا باید لغو شود

آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه، طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان از جمله اظهار داشته است:

«وزارت دفاع ملی به‌شدت مشغول‌بررسی کلیه قراردادهای نظامی است تا آن‌هائی راکه به‌نفع مانیست، تدریجا لغوکند». وی افزوده است: «وزارت دفاع ملی هم در این مورد دچار مشکل است، چون بسیاری از قراردادها، نه‌تنها ارتش مستقیما دخالت داشته، بلکه هرکدام از نیروها نیز به‌طور جداگانه عمل کرده‌اند و یک سلسله عملیات را انجام داده‌اند... شیوه عمل در نظام گذشته بدین‌گونه بوده که بتواند از طریق عدم تمرکز اینگونه روابط، امکان فاش

بقیه درصفحهٔ ۴

انقلاب حکم می‌کند که ارتش از کلیهٔ عناصر ضد انقلابی تصفیه شود

انقلاب ایران، انقلابی است ملی، یعنی استقلال‌طلبانه و ضدامپریالیستی وآزادی بخش؛ انقلابی است دموکراتیک‌یعنی‌خلقی، به‌سود خلق زحمتکش، به‌سود مستضعفین بر ضد مستکبرین. ارتش جمهوری اسلامی ایران، بنابراین، می‌بایستی ارتشی باشد ملی و دموکراتیک، مامور حفاظت مرزها و تمامیت ارضی کشور، حامی و همراه خلق و زحمتکشان، میهن‌پرستان و استقلال

بقیه درصفحهٔ ۷

«مردم» و شما

خوانندگان «مردم» می‌نویسند:

* خواننده «مردم»، ب.س.، نامه مفصلی در ۷ صفحه در تحلیل اوضاع کنونی نوشته، که بسیار جالب و عمیق است. منتهی‌بسیاری از مطالب آن طی اسناد اخیر حزبی‌و مقالات «مردم» قبلا بیان گردیده، گرچه دوست ما، با قلمی شیرین و موشکاف، نکات بسیاری را مورد حلاجی قرار داده است. وی در این نامه نخست دسایس ضد انقلابی علیه نیروهای اصلی انقلابی، چه آن‌ها که مستقیما از جانب راست حمله می‌کنند، چه آن‌ها که در جامه دروغین مذهبی‌جلوه‌گری می‌کنند و نظریات امام را تحریف می‌نمایند و چه آن‌ها که زیر نقاب ماورای چپ، مواضع راستین نیروهای چپ و ترقی‌خواه را تحریف و جعل‌می‌کنند، برمی‌شمرد. وی منجمله می‌نویسد که، با استفاده از ترور سیاسی کوشش می‌شود به‌نیروهای مومن بانقلاب ضربه زده شود و دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم امریکا و بقایای دارودسته شاه مخلوع، از زیر ضربه انقلابیون‌خارج گردند. در دنباله نامه «ب.س.» چنین می‌خوانیم: «محروم کردن انقلاب از متحدین راستین و امیل آن در خارج و تهمت زدن و افسانه‌بافتن و تحریف تاریخ و تنخوار آنچه سیاست‌گران غرب امپریالیستی و میلیغن رژیم ساقط شده شاه می‌گفتند، عملی است ضد انقلابی».

نویسنده نامه همچنین با ذکر دلایل و نمونه‌ها، از لزوم همبستگی و دوستی با کشورهای سوسیالیستی و تشخیص دشمن عمده‌ما، در وجود امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، سیا و موساد و دست‌پرورده آن‌ها، بقایای ساواک، صحبت می‌کند و اهمیت مبارزه طبقه کارگر ایران را، که در صف مقدم انقلاب آماده پاسداری از آن است، خاطرنشان می‌سازد و در این زمینه شکوه و متانت و قدرت مراسم بزرگداشت اول ماه مه را گوشزد می‌نماید. وی در نمونه تجاوز اسرائیل به‌کشورهای عربی و نبرد قهرمانانه خلق فلسطین،سیمای درخشان دوستان و حامیان خلق‌های‌عرب و نهضت‌های آزادی‌بخش ملی را دروجود کشورهای سوسیالیستی و نیروهای چپ و مترقی منطقه و جهان معرفی می‌کند و به نمایش‌های مفرنانه‌ای‌که می‌کوشد در نهایت امر، انقلاب ایران را از متحد طبیعی خویش محروم کند، پاسخ می‌گوید و می‌پرسد: آیا واقعا کسی هست که نداند دشمنان و دوستان این نهضت‌ها کیانند؟ در دنباله نامه «ب.س.»، خطر سرمایه‌داری وابسته و توطئه روی یا سرمایه بین‌المللی گوشزد می‌شود و از کوشش که در جهت جان تازه دمیدن به‌بساط بهره‌کشی وابسته، زیر عناوین مختلف، صورت می‌گیرد، ابراز نگرانی می‌شود.

* دوستی می‌نویسد: «رفقا می‌خواستم پیشنهادی بدهم راجع به «رنجبر»، ارگان به‌اصطلاح سازمان انقلابی(!)، که درشماره دوم فروردین‌ماه خود، تحت عنوان «دخالتهای آشکار امپریالیسم روسیه»، به پخش این شایعه پرداخته بود که گویا از مرزهای شوروی و ایران، به‌وسیله قطارهائی که از مرز می‌گذرند، اسلحه‌به‌بیرون پرتاب می‌شود! اما روز دوشنبه اول اردیبهشت‌ماه، مطلبی‌ازآیت‌الله شریعتمداری در روزنامه کیهان، شماره ۱۵۶۸۸، شامل مصاحبه ایشان با خبرنگاران شوروی بود، که در آن بعد این شایعه اقدام کرده‌اند و آن‌را علنی خواندند که ضد انقلاب و کسانی‌که خواهان جمهوری اسلامی نیستند، دامن می‌زنند.» دوست ما هردو مطلب را از دو روزنامه فتوکپی کرده و برای «مردم»فرستاده‌است.

با تشکر فراوان از این خواننده، یادآوری این نکته بی‌مورد نیست که تنها ضد انقلاب و مخالفین استقلال و آزادی خلق‌های ایران، در این نفع‌دارند که توجه از دشمن اصلی خلق‌ها، امپریالیسم آمریکا و بازمانده‌های فعال و خطرناک بساط محمدرضای فاجر، بسوی دیگری، مثلا نیروهای چپ یا به‌اصطلاح «امپریالیسم روسیه» منحرف نمایند. راست‌های خشن، با چپ‌نماهای افراطی، مانند همیشه یک ساز می‌زنند. انقلابی واقعی باید همیشه دشمن اصلی و واقعی را تشخیص دهد؛ هر نوع خلط مبحثی خدمت آشکار به‌ضد انقلاب است.

رویدادهای ایران

دست‌های ضد انقلاب توطئه می‌چیند

کشف توطئه ترور مجاهدین خلق ایران، که خبرآن در جراید چاپ شد، یکبار دیگر این حقیقت تلخ را تایید کرد که دست‌های ضد انقلاب هم‌چنان در کار است تا با شکار رزمندگان ومبارزان‌ازگروه‌های مختلف، بذر نفاق را هرچه‌وسیع‌تردرسرزمین انقلابی ایران بپاشد.

به‌عقیده ما، نقشه ترور مجاهدین خلق به‌دست همان گروه‌های ضد انقلابی کشیده شده که در قتل فرنی و مطهری دست‌داشته‌اند و البته این آخرین نقشه و نیرنگ آن‌ها برای برپائی برادرکشی در ایران نیست.

بی‌تردید نخستین گلوله‌ای که در نقده و کردستان و گنبد شلیک شده، از لوله تفنگ آن‌ها بیرون آمده است. لذا برنامه نیروهای انقلابی است که باهوشیاری و زمان سنجی، و به‌هروسیله ممکن، این نقشه شیطانی را خنثی کنند و برای دستگیری عواملی که در این‌گونه توطئه‌ها دست دارند و خنثی کردن نقشه‌های شوم آن‌ها از هیچ کمکی به‌دولت، به‌کمیته‌های انقلاب و پاسداران انقلاب دریغ نکنند.

با شرکت در جبهه متحد خلق از دستاوردهای انقلاب دفاع کنیم

سران جبهه ملی ایران، براساس گزارش‌هائی که در جراید ایران چاپ شده است، تلاش وسیعی را آغاز کرده‌اند تا به‌قول دکتر شایگان، پراکندگی آزادیخواهان رفع شود و جبهه واحد ملی تشکیل گردد. انگیزه تشکیل چنین جبهه‌ای، اززبان‌سران جبهه ملی، حساسیت شرایط موجود کشور و نیاز مبرم به‌وحدت و یکپارچگی ذکر شده است.

مهم‌ترین مساله‌ای که در پیش روی تمام آزادیخواهان و خلق قهرمان ایران قرار دارد، قانون اساسی و مجلس موسسان آینده ایران است که می‌باید سرنوشت نسل‌های آینده ایران را نیز تعیین کند. برخی از سران جبهه ملی و یاران قدیمی دکتر محمد مصدق، با این آینده‌نگری، پیشنهاد جبهه واحد ملی را ارائه داده‌اند.

حزب توده ایران، همچنان که در اسناد پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب اعلام شده، با توجه به‌مجموع شرایط حاکم برایران و وظائف تاریخی که در برابر خلق ایران و احزاب، سازمان‌ها، سران ملی و دمکرات قرار دارد، پیشنهاد تشکیل جبهه متحد خلق را داده و از هر کوششی بر این جهت پشتیبانی خواهد کرد.

به‌عقیده حزب ما، تنها با تشکیل چنین جبهه‌ای، مرکب از تمام نیروهای‌انقلابی، ملی و دمکراتیک صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی آن‌ها، میتوان از دستاوردهای انقلاب دفاع کرد و انقلاب را به‌پیش برد. حزب توده ایران که پیشنهاد تشکیل جبهه متحد خلق را داده، آماده‌است که برای تشکیل چنین جبهه‌ای به‌تبادل نظر با تمام نیروهای انقلابی، ملی و دمکراتیک بپردازد.

از احزاب سیاسی کمك بگیرید

طرح تشکیل شوراها، که قرار است زیر نظر حضرت آیت‌الله طالقانی پیاده شود، همزمان با اعلام رئوس خود مختاری از سوی آقای دکتر سحابی، وزیر مشاور در امور طرح های انقلاب، در روزنامه‌های ایران چاپ شد. یکی از نکات اعلام شده در مصاحبه آقای دکتر سحابی، این اعلام آمادگی و حسن نیت انقلابی بود که سازمانها و احزاب سیاسی نیز می‌توانند نظرات خود را در این‌باره بدهند تا مورد رسیدگی قرار گیرد.

ما ضمن استقبال از این حسن نیت و با تاکید براین‌که حزب توده ایران، در برنامه خود، نظریات خویش را درباره خودمختاری خلق‌های ایران داده است، یادآور می‌شویم که برای یافتن بهترین و کامل‌ترین طرح خودمختاری و گنجاندن آن در قانون اساسی ایران، می‌توان و در حقیقت باید از مجموع نمایندگان احزاب سیاسی شورائی به‌این منظور تشکیل شود.

بلندگوهای یاوه‌سرا و اعدام القانیان

اعدام القانیان، جاسوس و عامل اسرائیل و امریکا و صهیونیسم بین‌المللی، که به‌حق یکی از انقلابی‌ترین اعدام‌های اخیر بود، با واکنش‌هائی از سوی محافل شناخته شده و رسوای جهان غرب و دولت غاصب اسرائیل روبه‌رو شد. برای هیچ‌یك از افراد وطن‌پرست و آزادیخواه ایران، ذکر دلیل و انگیزه این محافل در اعتراض به‌اعدام القانیان لازم نیست، زیرا هیچ ایرانی وطن‌پرستی‌گوشش به‌این یاوه‌گوئی‌ها بدهکار نیست و به‌خوبی می‌داند که نظایر القانیان‌ها در این مملکت چه جنایاتی مرتکب شده‌اند و در وابستگی ایران به‌اسرائیل و امریکا و دیگر کشورهای متجاوز غرب، چه‌نقش شومی بازی کرده‌اند و در غارت مردم، کوچك‌ترین فرصت را در سال‌های اخیر، زیر چتر حمایت رژیم شاه ــ ساواك، از دست‌نداده‌اند.

چگونه «پیغام امروز» تحریف می‌کند

روزنامه پیغام امروز، در شماره ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸، خود زیر عنوان «گرامی باد میراث انقلابی خسرو روزبه»، ضمن تجلیل از شخصیت انقلابی روزبه قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران می‌نویسد:

«کمیته مرکزی حزب توده، خسرو روزبه را پس از شهادتش، به‌عنوان قهرمان حزبی، به‌عضویت افتخاری کمیته مرکزی درآورد...»

یادآور می‌شویم که روزبه قهرمان، عضو افتخاری کمیته مرکزی حزب توده ایران نبوده، بلکه از اعضاء اصلی کمیته مرکزی حزب توده ایران بوده است (صرفنظر از آن‌که حزب توده ایران هیچگاه «عضو افتخاری» کمیته مرکزی نداشته و ندارد.) ثانیا کمیته مرکزی حزب توده ایران، روزبه را نه‌پس از شهادتش، بلکه پس از شنیدن خبر دستگیری‌اش، یعنی در جریان تشکیل پلنوم چهارم کمیته‌مرکزی در سال ۱۳۳۶، به‌عضویت کمیته مرکزی حزب برگزید و پس از دفاع دلیرانه‌اش در دادگاه دربسته نظامی، که منجر به‌شهادتش گردید، طی اعلامیه‌ای، به‌پیروی از خواست خلق، به‌او عنوان قهرمان ملی ایران را داد.

هدف از تحریف واقعیات اینست که روزبه را از حزب توده ایران جدا کنند و او را در برابر حزب قرار دهند. اما همان‌طور که ما بارها یادآور شده‌ایم، این تلاشی است عبث. روزبه را، که تا آخرین دم حیات، عضویتش را در حزب توده ایران چون پتك برفرق دشمن می‌کوبید و به‌توده‌ای بودن خود افتخار می‌کرد، نمی‌توان از حزب توده ایران گرفت، نمی‌توان او را در برابر حزب قرار داد.

ضمنا این دومین‌باری است که «پیغام امروز»ــ در آنچه که مربوط به‌حزب توده ایران است ــ به‌تحریف دست می‌زند. بار اول ــ در موردمصاحبه‌رفیق‌کیانوری ــ «پیغام امروز» مدعی شدکه «اشتباه چاپی» بوده است و«پوزش» خواست و ماهم‌دیگر چیزی نگفتیم. حالا منتظریم ببینیم «پیغام امروز» این‌بار چه‌می‌گوید؟

رئیس کل ستاد در برابر نمایندگان جرائد

در ساعت ۱۵ صبح روز پنجشنبه ۵۸/۲/۲۵، به دعوت ستادکل ارتش جمهوری‌اسلامی ایران، نمایندهٔ روزنامهٔ مردم در ستاد ارتش حاضرشد، نمایندگان‌سایرجرائد پایتخت هم حضور داشتند. در سالن کنفرانس تیمسار سرلشکر فربد، رئیس ستادکل، علت دعوت را آشنائی با نمایندگان جرائد به‌منظور کمك گرفتن از آن‌ها ذکر کرد تا چهرهٔ واقعی ارتش، آنطورکه حق است وآن‌طور که درآتیه خواهد بود، درمعرض مردم قرارگیرد.

ایشان چنین بیان مطلب کردند که: من پس‌ازچهارسال دوری ازمحیط ارتش، پس‌از آن‌که به‌این سمت انتخاب شدم، به‌بازسازی ارتش روی‌آوردم. درمورد ارتش در رابطه با انقلاب، من اعتقاد دارم که اکثریت ارتش‌ها، یعنی تنه ارتش، ملی بود و ازاین‌رومبارزه‌و درگیری بامردم را قبول نکرد و در روزهای حساس تاریخی کشور ما، از کشتار مردم تبرّد وخود را به‌انقلاب تسلیم‌کرد، میدانیم که اقلیتی در راس بودند و قسد مخالف داشتند، یعنی قسد سرکوب مردم، ولی این مجال را نیافتند وروسا شدند. من اعتقاد دارم که ارتش از مردم جدا نیست ولذا باید در اعاده روحیه ارتش و مقاصی در میان مردم کوشش شود وشعاع‌باید دراین امرکمك کنید. من برای این موضوع خدمت امام رسیدم وبه تفصیل درمورد ارتش با ایشان صحبت کردم وایشان به‌دنبال آن، فرمان پنجگانه خود را صادر کردند که در اعاده روحیه افراد ارتش، که حالت انفعالی پیداکرده میتواند، موثر واقع شود. در ۲۹ فروردین طی نمایش خیابانی ارتش ما با استقبال گرم مردم روبرو شد. دربازگشت به‌سربازخانه، روحیه‌ها بهترپود. آن‌ها محبت‌مردم را احساس کرده‌بودند.

رئیس ستاد کل چنین ادامه داد: من از روزی که آمده‌ام، همهٔ تلاشم این بوده‌است که ارتش را از فردگرائی گذشته جدا کنم، چون اعتقاد دارم ارتش ما یك ارتش ملی است وباید شایسته چنین نامی باشد. من در جریاناتی از قبیل واقعه کنبد و نقده نگران بودم و تلاش داشتم که گلوله‌ای از سلاح‌های ارتش بسوی مردم شلیك‌نشود و خوشبختانه موفق شدم. من اعتقاد دارم که باید از پراکندگی ارتش جلوگیری کرد وکار ژاندارم و پلیس را به او محول نکرد. دولت و شورای انقلاب می‌خواهند که پاسدار انقلاب داشته باشیم. من به دو دلیل تربیت کوتاه مدت چنین سازمانی را قبول کردم. اول به‌خاطرحفظ روحیه انقلابی مردم و دوم آماده بودن مردم برای مبارزه با ضد انقلاب، و بعلاوه وجود این سازمان به عدم پراکندگی ارتش هم کمك می‌کند. ما کاری می‌کنیم که روزی‌که قانون اساسی آماده شود، ما هم جای خود را به‌حق پیدا کرده باشیم.

موضوع دیگری که تیمسار رئیس ستاد برآن تکیه داشت واز اهمیت ویژه‌ای برخوردار، اشاره به موضوع عدم تعهد در زمینه سیاست خارجی است. ایشان گفتند که: موضوع سیاست عدم تعهد در رابطه با ارتش امری بسیار بزرگ است. در گذشته ما در پیمان سنتو بودیم وآنچه امروز روش است واز حالت محرمانه بودن درآمده است، این بود که این پیمان باید جناح جنوب شرقی پیمان ناتو را می‌پوشاند وهمه امکاناتی را که امپریالیزم امریکا در اختیار ارتش ایران گذاشت، بخاطر چنین امری بود و درنتیجه ارتش ما در رژیم سابق آماده بود همچون آلت فعلی منفع امپریالیزم عمل کند. ما امروز در نظر داریم ارتش‌رابطور متعادل به‌صورت استانی تقسیم کنیم تا هیچ کشور همسایه‌ای خطری را برای خود متصور ندانند. ما ارتش را سازمان داده‌ایم و بسرعت به‌طرف تغییر بنیادی در ارتش می‌رویم واین برنامه را من با قدرت و سرعت دنبال خواهم کرد. ارتش ما از نظر سازوبرگ وسلاح بسیار غنی است. ما در سال‌های آتیه بخرید وسائل احتیاجی نداریم، حتی زیادی هم داریم. نیروی دریائی ما درگذشته داعیه پوشش جزیره دی‌یگوگارسیا را در اقیانوس هند داشت، واین ثنائی برغنی بودن این نیرو از نظر وسائل و تجهیزات است. ما اکنون به‌هیچوجه چنین هدفهائی نداریم و فقط از منافع خود و سرحدات خود دفاع خواهیم کرد. نیروی هوائی و زمینی ما هم از نظر وسائل بی‌نیاز است. ما برآورد خواهیم کرد که ارتش ما در آتیه چه نیازمندی‌هائی خواهد داشت. پس ازآن اگر اضافه داشتیم، خواهیم فروخت ویا به‌کشورهای فروشنده واگذار خواهیم کرد.

درمورد انضباط ارتش تیمسار عقیده داشتند که: «اطاعت بی‌چرا» باید برای ارتش باشد، اما نه به‌صورت کور، بلکه باید به‌افراد ارتش آگاهی داد، آن‌ها را با مسائل انقلاب جمهوری اسلامی آشنا کرد، افراد ارتش باید بدانند که برای مردم خدمت می‌کنند و خدمت آن‌ها یك وظیفه ملی است، در ارتش داریم شورائی بوجود می‌آوریم. ممکن‌است اسمش شورای باز سازی یا نام دیگری باشد. ما همه مسائل ارتش را از طریق این شورا مورد بررسی قرارخواهیم‌داد. ما از احزاب و جرائد خواهیم خواست که نمایندگانشان بیایند، با ما همکاری کنند، اظهار نظر نمایند، مقاله بنویسند، پیشنهاداتی مطرح کنند و سرانجام خود ناظر ساختن ارتش باشند. ما می‌خواهیم، چه به‌صورت دعوت وچه به‌شکل داوطلب، این نمایندگان در شوراها حضور بهم‌رسانند. اگر استقبال شد، چه بهتر، واگر نشد، به‌هرحال ما کارها را به‌صورت شورائی انجام خواهیم داد. من به‌صورت فردی تصمیم نمی‌گیرم. در شورا روی موضوع مورد نظر بررسی می‌کنیم ومن از اعضاء شورا کمك می‌گیرم، ولی سرانجام تصمیم‌گیری با من خواهد بود.

پس از این بیانات، تیمسار رئیس ستاد کل، به‌پرسشهای خبرنگاران جرائدپاسخ‌دادند.

توضیح لازم

در ماه‌های اخیر نوشته‌هائی از جانب برخی ناشران، به‌نام رفیق احسان طبری، چاپ‌شده، که به‌هیچ‌وجه باایشان مربوط نیست، مانند «یادداشتهای زندان»، با امضاء مستعار «ا. آهن»، که نویسنده آن رفیق اردشیر آوانسیان است، و «مولوی‌هگل شرق»، که مؤلف آن گویا نوروز امامی است.

بدینوسیله، ضمن تصحیح این عدم دقت و اشتباه ناشران، بار دیگر توجه همه ناشران را **اولا** به‌دقت بیشتر در این زمینه فرا می‌خوانیم، **ثانیا** در آنچه که مربوط به چاپ و یا تجدید چاپ انتشارات حزب توده ایران است، رعایت آگهی‌مربوط به‌انتشارات حزب توده ایران را، تحت عنوان «قابل توجه ناشران»، خواستاریم.

«مردم»

حربهٔ ضد انقلاب را در سوء استفاده...

حل مسئله پیش رفت. واقعا باید به‌دردل این توده زحمتکش و وضع کنونی بسیار دشوار خانواده‌های آن‌ها توجه کرد.

خواست کار، یك خواست حقه و بی برویرگرد است. اما وقتی در میان همین ستمکشیدگان، دسایس بعضی عوامل فتنه انگیز کار را بجائی می‌کشانند که از میان آن‌ها این صدا برمی‌خیزد که «یا شاه خائن یا کار دائم»، هر انقلابی صدیقی و هر زحمتکش آگاهی باید به‌هوش آید و ببیند، چه دستی در کار است که مسئله کار را در گروی مسئله شاه مخلوع قرار می‌دهد؟ صرف‌نظر از صفت خائن، در داخل بیکاران القاء کنند که تا شاه مخلوع بود، کار دائم بود و اگر حالا نیست، تقصیر جمهوری است. چنین جریانی توطئه ساواک است، توطئه‌عمال‌امپریالیست‌ها و سلطنت‌طلبان است. اگر کسی صادقانه طرفدار کارگران باشد و در تحریك نارضائی‌ها تا بدین حد جلو رفته باشد باید بداند که، بدون آن‌که خود بخواهد، در دام افتاده است.

هرجمهوری‌خواه آگاه و هر انقلابی پی‌گیر به‌روشنی می‌بیند که چلوی ضد انقلاب را در این زمینه‌هم باید گرفت و هرگونه تعلل و یاری به‌هرجهت‌کردن و لاینحل گذاشتن مسئله حاد بیکاری، آبی است به‌آسیاب دشمن، کمکی است به دسیسه چینی ضد انقلاب.

کارگران و بیکاران حق دارند با تمام قدرت از خواست‌های حقه خویش دفاع کنند و طالب پیش‌برد دستاوردهای انقلاب باشند. اما در ضمن باید سخت هشیار باشند که اکنون دیگر عمال شاه خائن و ساواك و وابستگان به‌امریکا، شیوه‌های جدیدی به‌کار می‌برند و وظیفه همه ماست که این شیوه‌ها را افشا کنیم و از انقلاب بزرگ خود، در همه جبهه‌ها و در مقابل همه‌گونه دسایس آشکار و پنهان، مدافعه نمائیم.

تصحیح

در شماره ۱۲ مردم کمك دوست گرامی آرمان اشتباهاً ۱۵۵۵ تومان چاپ‌شده‌است. اینان ۱۵۵۵۵ تومان کمك کرده‌اند. از این اشتباه چاپی پوزش می‌طلبیم و ازکمك اینان بار دیگر صمیمانه سپاسگزاریم.

عباس حجری، عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران — رضا شلتوکی، عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران — ابوتراب‌بافرزاده، عضوکمیتهٔ‌مرکزی حزب تودهٔ ایران — آصف رزم‌دیده، عضو مشاورکمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران — صابر محمدزاده، نمایندهٔ‌کارگران‌عضو مشاور کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

ابوعلی، عضو کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست عراق — صلاح‌الدین نانوا زاده، نمایندهٔ‌حزب دموکرات کردستان ایران — ژاله نوتاش، نمایندهٔ دانش‌آموزان — فاطمهٔ ایزدی، نمایندهٔ زنان

گزارش مراسم باشکوه بزرگداشت خسرو روزبه...

گورستان ازخواب دیرسال‌برمی‌خیزد. در رستاخیز مردگان، مردی از میان قامت سبز مردها و بوی خوش گل‌ها می‌آید. از نگاهش خورشید و شبنم می‌تراود. برپیشانی‌اش چند شقایق خونین شکفته. مردگان در عبور گام‌هایش جان می‌گیرند. پیکر افسانه‌ای او در این جهان نمی‌گنجد. هزاران‌چشم‌به‌او می‌نگرند. کارگران گل‌های خونین به‌پایش می‌ریزند. پیرمردی غمازنان می‌آید وپیشانی‌اش را می‌بوسد. پیرزنی بر او گلاب می‌پاشد. آنگاه، مردگان و زندگان این بانگ را تا خورشید پرمی‌دهند:

درود بر روزبه، افسر حزب توده...

خواب نیست. اینجا بهشت‌زهراست. اشك چشمان شلتوکی را پردمه‌می‌کند. صفرخان سیگارش را زیرپا لهمی‌کند. این خسرو است، همه جا هست. در ذرات هوا، در برگ‌های سوزنی‌کاج، در گنبدگ‌های یاس، در باد و آتش. در شبنم و خورشید. این خسرو است که بعد از ۲۲ سال، از میدان تیر خشمتیه می‌آید. می‌آید ومردگان در رستاخیز گام‌هایش بیدار می‌شوند. می‌آیند و نسل نوین حزبش با می‌بیند. همان حزب که در لحظه تیرباران، خسرو چنین‌فریادش‌کشید: **زنده‌باد حزب تودهٔ ایران...**

و نسل نوین حزب، اکنون پاسخش می‌دهد:

سردار حزب توده، راهت ادامه دارد!

۲۱ اردیبهشت است. سال ۱۳۵۸. بهار آزادی. ۱۱ صبح. کارگران، زحمتکشان، اعضا و هواداران و دوستان حزب توده ایران، بر مزار قهرمان ملی جمع شده‌اند تاخاطره‌اش را گرامی دارند. در میان درختان کاج و صنوبر، موج در موج، دریای انسانی در خروش است. صدای‌رفیق حجری به‌گوش می‌رسد، این همرزم زندان‌کشیده و شکنجه دیده روزبه، از سوی کمیتهٔ مرکزی حزب، درباره زندگی و پیکار روزبه سخن‌می‌گوید:

«دشمن ضعف خود را در برابراین مظهر نبرد، با وجود صدها سرباز و سرنیزه، پنهان می‌داشت. به‌کمك‌عصا به‌راه افتاد. صدای گام او در سکوت سپیده، صدای مردمی بود که او را وجدان بیدار خود می‌دانستند...»

صف‌درصف، کارگران، زحمتکشان، توده‌ای‌ها وهواداران‌حزب‌ایستاده‌اند. در دست‌هایشان صدها پلاکات، در دست نسیم خنك اردیبهشت تاب می‌خورد. پیشتر از همه پلاکاتی‌است: **«جاودان باد خاطره تابناك خسرو روزبه، قهرمان ملی و عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران!»**

صدای رفیق‌حجری برفراز جمعیت، تاریخ را ورق می‌زند:

«بعضی سعی دارند روزبه را از حزب ما جدا کنند. آن‌ها فراموش می‌کنند که، روزبه گفت: خون و گوشت و پوستم توده‌ای است. او به توده‌ای بودن خود افتخار می‌کرد و ما به وجود او، ما راه او را ادامه خواهیم داد.»

جمعیت مردم فشرده‌تر می‌شود. در دست‌ها عکس‌های‌روزبه است، استوار چون کوه ایستاده و با آن چشم‌های درخشان به‌آینده چشم دوخته است. برکورش، هم‌اکنون، هنوز دقیقه‌ای از آغاز مراسم نگذشته، کوهی از گل برپا ایستاده، صف چنان فشرده است که از فاصله‌ای دور، راه عبورنیست. موج‌های گل درمی‌رسد. دست به دست، از فراز سرها عبور داده‌می‌شود و بر گور قهرمان ملی، کوه گل را انبوه‌تر می‌کند.

زندگی زیباست

زندگی آتشگهی دیرنده با برجاست

این صدای رفیق بافرزاده است. آرش را می‌خواند. آرش کسرائی‌را، که به آرش حزب، به خسرو روزبه تقدیم شده است، می‌خواند. و خسرو روزبه، با تمامی قامت افسانه‌ایش‌آنجا حاضر است. اکنون صدای رفیق‌صابر محمدزاده به‌گوش می‌رسد. پیام کارگران را می‌خواند:

«درود بی‌پایان ما کارگران‌ایران به خسرو روزبه، مردی که مرد بود و مردانه زیست و مردانه شهید شد. سلام گرم طبقه کارگر آگاه وقهرمان ایران به‌خاطره تابناك رفیق فراموش نشدنی ما خسرو روزبه، رفیقی که دردآشنا بود و زندگی خود را وقف آزادی و استقلال و سعادت مردم کرد.»

این صدای نیرومند کارگران، صاحبان امروز و فرداست که طنین می‌افکند:

«ما بر سر مزار او گردآمده‌ایم تا به زنده بودن او گواهی دهیم، ما کارگران در اینجا هستیم تا ازآفتاب درخشان و بی‌غروبی که از این مزار سرمی‌کشد، برای تقویت پیکار خود، در راه تحکیم انقلاب و سرکوب ضدانقلاب، در راه خواست‌های حقه طبقاتی و ملی و میهنی خود الهام گیریم...»

کارگران و دیگران با فریادتائید خود، براین پیمان صحه می‌گذارند.

نوبت به‌زنان دمکرات رسیده است. خانم فاطمه ایزدی سخن می‌گوید:

«۲۱ سال پیش، هیات حاکمه با به‌خون کشیدن روزبه ماهیت جنایت‌کار و خیانت‌کار خود را بار دیگر به‌ثبوت رسانید... روزبه‌زندگی و طاعت مردم فشرده‌تر می‌شود. در دست‌ها عکس‌های‌روزبه است، استوار چون کوه ایستاده و با آن چشم‌های درخشان به‌آینده چشم دوخته است. برکورش، هم‌اکنون، هنوز دقیقه‌ای از آغاز مراسم نگذشته، کوهی از گل برپا ایستاده، صف چنان فشرده است که از فاصله‌ای دور، راه عبورنیست. موج‌های گل درمی‌رسد. دست به دست، از فراز سرها عبور داده‌می‌شود و بر گور قهرمان ملی، کوه گل را انبوه‌تر می‌کند.

زندگی زیباست

زندگی آتشگهی دیرنده با برجاست

این صدای رفیق بافرزاده است. آرش را می‌خواند. آرش کسرائی‌را، که به آرش حزب، به خسرو روزبه تقدیم شده است، می‌خواند. و خسرو روزبه، با تمامی قامت افسانه‌ایش‌آنجا حاضر است. اکنون صدای رفیق‌صابر محمدزاده به‌گوش می‌رسد. پیام کارگران را می‌خواند:

«درود بی‌پایان ما کارگران‌ایران به خسرو روزبه، مردی که مرد بود و مردانه زیست و مردانه شهید شد. سلام گرم طبقه کارگر آگاه وقهرمان ایران به‌خاطره تابناك رفیق فراموش نشدنی ما خسرو روزبه، رفیقی که دردآشنا بود و زندگی خود را وقف آزادی و استقلال و سعادت مردم کرد.»

این صدای نیرومند کارگران، صاحبان امروز و فرداست که طنین می‌افکند:

«ما بر سر مزار او گردآمده‌ایم تا به زنده بودن او گواهی دهیم، ما کارگران در اینجا هستیم تا ازآفتاب درخشان و بی‌غروبی که از این مزار سرمی‌کشد، برای تقویت پیکار خود، در راه تحکیم انقلاب و سرکوب ضدانقلاب، در راه خواست‌های حقه طبقاتی و ملی و میهنی خود الهام گیریم...»

کارگران و دیگران با فریادتائید خود، براین پیمان صحه می‌گذارند.

نوبت به‌زنان دمکرات رسیده است. خانم فاطمه ایزدی سخن می‌گوید:

«۲۱ سال پیش، هیات حاکمه با به‌خون کشیدن روزبه ماهیت جنایت‌کار و خیانت‌کار خود را بار دیگر به‌ثبوت رسانید... روزبه‌زندگی و مرگ خود را به‌تیغ برنده‌ای بر گلوی‌دشمن‌خونخوار مبدل‌ساخت...»

درود بر روزبه...

همهمه از میان کاج‌ها برمی‌خیزد، صدای سخنران را می‌برد و در خبزی تند به شعاری طوفانی مبدل می‌شود. همه یك‌صدا بانگ می‌زنند:

درود بر روزبه، افسر حزب توده...

و باز صدای رفیق:

«مقاصد اجتماعی ما همه از منبع بشردوستی و خدمت به مردم آب می‌خورد، ما می‌خواهیم زنان‌بامردان در تمام شئون، حقوق‌مساوی داشته و دوشادوش مردان به‌خاطرعظمت‌کشور بکوشند...»

زنی جمعیت را می‌شکافد. دامنی میخك سرخ دارد. درکنار عکس‌های روزبه، یك‌یك میخك سرخی می‌نشاند. خوب نگاه کنید: دست‌هایش از پینه کار زینت گرفته. زن می‌گذرد و آنك صدها عکس رفیق روزبه، با میخکی که هدیه کارگران است.

پیام بعدی را دانشجویان میفرستند. رفیق شهبازی می‌گوید:

«رژیم پهلوی فکر می‌کرد باکشتن او به‌زندگی اسطوره‌ای‌اش خاتمه می‌دهد...»

و بانگ مردم:

روزبه قهرمان، راهت ادامه دارد...

اینان که فریاد می‌زنند، ادامه راه خسرواند. امتداد زندگی اویند. این جوان، آن پیرمرد، آن دختر، آن‌که عکس خسرو را در دست دارد. کنار عکس، خسرو را به چوبه اعدام بسته‌اند. از پیکرش خون می‌ریزد و باز روزبه از این خون متولدمی‌شود. این چهرهٔ ابدی اوست که فراز سر جمعیت، به دژخیمان پوزخند می‌زند.

رفیق نماینده دانشجویان ادامه می‌دهد:

«دشمنان کوشیدند روزبه را از حزبش و یارانش جدا کنند، ولی جمعیت امروز نشان می‌دهد که‌یاران وی به‌راه او، ارانی‌ها و کامبخش‌ها وفادارند. ما امیدواریم در پرتو رهنمودهای حزب توده‌ٔ ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، کارگران بتوانند جامعه‌ای نوین بسازند...»

لحظه‌ای بعد محمد زهری پشت میکروفون است. شعری می‌خواند به‌یاد روزبه، و آنگاه صلاح‌الدین نانوازاده، پیام حزب دمکرات کردستان ایران را می‌خواند: **«حزب دمکرات کردستان ایران همواره یاد روزبه را گرامی داشته و او را نه‌تنها به‌عنوان قهرمان ملی ایران، بلکه یکی از قهرمانان‌جنبش‌کارگری جهان می‌شناسد.»**

این سخنان را، این حقیقت را که روزبه از مرزهای ملی گذشته و در صف اول قهرمانان جنبش جهانی کارگری و کمونیستی قرار گرفته، پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق تائید می‌کند:

«نوای شهید جاوید! در کنار شهدای جنبش انقلابی جهان وشهدای نهضت مقاومت ضد فاشیستی اروپا هجوم نوپیك‌ها، همراه قربانیان ارتجاع و امپریالیسم در عراق رفقا فهدوسلام‌عادل، درکنار رفیق شهید عبدالنی‌لقامحجوب دبیرکل حزب کمونیست سودان و فرج‌الله‌الحلو کمونیست نامدار لبنان...»

رفیق عراقی ادامه می‌دهد:

«درود به‌توای شهید بزرگ و قهرمان! درود به‌همه شهدای حزب توده برادر، سیامك‌ها، مبشری‌ها، وکیلی‌ها، حکمت‌جوها، وارطان‌ها، تیزابی‌ها، جانجانی‌ها! سلام به‌همه شهدای جنبش ملی و مذهبی ایران، ابراهیمی‌ها، قاضی‌ها، شریعتی‌ها، رضائی‌ها، جزنی‌ها و مطهری‌ها...»

جمعیت به‌تلاطم می‌آید. نام شهدا، تابناك بر قلب آسمان می‌درخشد. از کنار نام بزرگ روزبه، پلاکات‌هائی می‌گذرد، این تصویر شهدای حزب است. این تیزابی است، آن حکمت جو، آن پشت، کنار آن مرد کوچك شوشتری است، آن دیگری، برفراز بوته گل سرخ، آری، این وارطان است. خوب نگاه‌کن! در دل جمعیت جانجانیان را می‌بینی، سیامك هم هست، وکیلی‌هم... این صف خونین، همراه تا

گروه کشورهای غیر متعهد و مبارزه علیه امپریالیسم

پس از جنگ جهانی دوم، که در نتیجه پیروزی بر فاشیسم و ارتجاع جهانی، در تناسب نیروها در عرصه جهان، بنفع نیروهای صلح و استقلال و دمکراسی تغییر ماهوی پدید آمد، سیستم مستعمرات امپریالیسم متلاشی گردید و کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین یا مبارزاتی پیگیر و سرسختانه، یکی پس از دیگری سلطه امپریالیسم را برانداختند ودر کسب استقلال ملی پیروز شدند. امپریالیسم جهانی که دیگر قادر نبود با شیوه‌های کهنه استعماری کشورهای نو استقلال را زیر سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی خود نگه‌دارد، برای رسیدن به‌اهداف توسعه طلبانه و استثمارگرانه خود به‌شیوه‌های تازه‌ای متوسل شد و تلاش نمود از راه ایجاد پیمان‌های "نظامی و سیاسی و اقتصادی در مناطق مختلف جهان و جلب کشورهای نو استقلال به‌این پیمان‌ها، سیاست نواستعماری خویش را براین کشورها تحمیل کند و این کشورها را از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی به‌خود وابسته کند.

کودتای خائنانه ۲۸ مرداد امپریالیسم امریکا و مزدوران آن علیه دولت ملی دکتر ممدق، لغو قانون ملی شدن نفت و ورود ایران به‌پیمان نظامی سنتو، که از نخستین اقدامات رژیم دست‌نشانده شاه مخلوع و دولت کودتائی زاهدی بود، نمونه بارز تحمیل سیاست نواستعماری امپریالیسم امریکا برکشورما بود.

رهبران ملی کشورهای نواستقلال، که متوجه خطر این سیاست امپریالیستی علیه استقلال ملی خود گردیدند، به‌منظور مقاومت جمعی، به‌مقیاس جهانی، در برابر امپریالیسم و حفظ و استحکام استقلال سیاسی و پایان بخشیدن به‌وابستگی اقتصادی خود به‌دول و انحصارات امپریالیستی، به‌تشکیل جنبش کشورهای غیر متعهد اقدام نمودند. مبتکرین تشکیل گروه کشورهای غیر متعهد که از رهبران ملی برجسته کشورهای نواستقلال بودند، خطوط اصلی سیاست جنبش کشورهای غیر متعهد را مبتنی بر مقاومت و مبارزه جمعی این گروه از کشورها در برابر توسعه‌طلبی و تجاوزسیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم امریکا پی‌ریزی‌نمودند.

امروز در گروه کشورهای غیرمتعهد، اکثریت کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین متشکل شده‌اند، که در عرصه جهانی به‌نیروی چشمگیری تبدیل گشته و درسیاست جهانی نقش مؤثری ایفاء می‌کنند. گروه کشورهای غیر متعهد به‌منظور تدوین برنامه مشترک عمل و هم‌آهنگی خط‌مشی و اقدامات خود در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و مسائل بین‌المللی، تاکنون چند کنفرانس برگزار نموده و در قطعنامه‌ها و مصوبات این کنفرانس‌ها سیاست دول و انحصارات امپریالیستی را نسبت به‌کشورهای مستقل ملی محکوم کرده‌اند.

در مصوبات گروه کشورهای غیر متعهد به‌نقش تفرقه افکنانه رهبری مائوئیستی پکن توجه شده است، که همواره تلاش کرده و می‌کند تا در میان این کشورها نفاق و پراکندگی ایجاد نماید و این کشورها را از راه مبارزه بر علیه دشمن اصلی استقلال سیاسی و اقتصادی آن‌ها، یعنی امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا، منحرف سازد. تز «ابرقدرت‌ها» و در یک سطح قراردادن دول امپریالیستی با کشورهای سوسیالیستی و یکسان وانمود کردن سیاست آن‌ها نسبت به‌کشورهای غیر متعهد که ابتکار آن از امپریالیسم امریکاست و از جانب رهبری پکن اشاعه داده می‌شود، هدف دورکردن کشورهای نو استقلال را از متحد طبیعیشان، یعنی کشورهای‌سوسیالیستی، و توجیه سیاست نواستعماری امپریالیسم را نسبت به‌گروه کشورهای غیر متعهد دنبال می‌کند. اما گروه کشورهای غیر متعهد به‌این خط‌مشی تفرقه‌افکنانه رهبران پکن واقفند و آن‌را محکوم می‌کنند.

بدین ترتیب‌خود اندیشه و عمل تشکیل و همبستگی گروه کشورهای غیر متعهد واکنشی است در برابر تلاش‌های دول امپریالیستی، و در درجه اول امپریالیسم امریکا، برای تحمیل سیاست نواستعماری به‌کشورهای مستقل و ملی، و مقاومت و مبارزه هم‌آهنگ و جمعی این کشورها علیه امپریالیسم جهانی.

به‌چنین گروه و به‌چنین سیاستی است که دولت جمهوری اسلامی ایران می‌پیوندد، و باید هرچه زودتر بپیوندد و بکوشد که با اصلیت، قاطعیت و پیگیری، هم هدفهای ضد امپریالیستی انقلاب ایران را در جمع کشورهای غیر متعهد پیش برد و هم مواضع و اهداف ضد امپریالیستی گروه کشورهای غیر متعهد را تقویت کند.

دادگاه‌های انقلابی یکی از...

خود را درتامین‌آینده یك ایران آزاد و مستقل و آباد انجام دهندوشاك‌های‌خیله‌گر و پلنگ‌های تیزدندان را به‌سزای یك‌هزارم از جنایاتی که مرتکب شده‌اند، برسانند، دشمنان انقلاب و سردمداران امپریالیزم و صهیونیزم زوزه سر می‌دهند که: ایهاالناس چه نشسته‌اید که توحش قرون وسطائی ایران‌را فرا گرفته است. کارترها و موشه دایان‌ها، این نمایندگان سیا و موساد، که با همکاری بردموار همین‌مفسدین‌فی‌الارض، تضمین کننده قدرت جهنمی محمدرضای فاسد و دستگاه سلطنتی سراپا آلوده درخون او بودند؛ این‌ها که تا آخرین لحظه که هنوز امیدوار به‌نجات سلطنت نگین قرون وسطائی بودند ونعره برمی‌کشیدند که «ما از شاه و از رژیم ایران پشتیبانی خواهیم‌کرد»، اینك که پایه‌های سلطه‌پلید خودرافروریخته‌می‌بینند ودستیاران خود را در برابر عدل انقلابی مشاهده می‌کنند، برسر و سینه می‌کوبند و گاه به‌نام حقوق بشر و زمانی به‌نام آزادی و انسانیت، که خود آن‌را در آسیا و افریقا و امریکای لاتین زیر پا له کرده‌اند و می‌کنند، جهان را پرغوغا می‌کنند و دادگاه‌های انقلابی را تخطئه می‌نمایند، تا این چرخ مقدس از کار بیندازند.

این‌بار اولی نیست که انقلاب‌های اصیل در معرض تهمت و افترای دشمنان داخلی و خارجی انقلاب قرار می‌گیرد.

آن‌ها خوب می‌دانند که ضربه سنگینی خورده‌اند و ماهم خوب می‌دانیم، و این منادیان «حقوق بشر» و این درخواست کنندگان بی‌عاطفه و درنده‌ی «عاطفه و ترحم و گذشت» راهم خوب می‌شناسیم.

آیا لازم است بعد از آنهمه افتضاح و رسوایی بار دیگر کرم‌های کثیفی را که در لجنزار سلطنت پهلوی امکان موجودیت می‌یافتند، بار دیگر بخوانندگان معرفی کنیم؟ آن‌ها ایران را به‌شکنجه‌گاه سراسری تبدیل کردند، یك نسل تمام را به‌سوی ورطه‌ی فساد و تباهی کشاندند، کشوری را تاراج و ویران کردند و بایکارانه به‌دست تاراج سپردند. هرکدام از آن‌ها که اینك در برابر دادگاه عدل انقلابی قرار می‌گیرند بهمان قدر که در زمان قدرت جبار و خونخوار بودند، خود را پست و حقیر نشان می‌دهند و با فرومایگی و پستی نفرت‌انگیز از کرده اظهار ندامت می‌کنند و خود را مانند کرم‌های لجنزار زیر پای داوران می‌افکنند و با عجز و الحاح ترحم‌وگذشت‌طلب می‌کنندچون‌چرخ عدالت که بحرکت درمی‌آید، یکی از این مایه‌های فساد و کثافت و انحطاط روحی و اخلاقی است که به‌دست مجازات سپرده می‌شود.

خبر آقایان‌را ما ازتاریخ‌گذشته‌یاچیزها آموخته‌ایم. تاریخ مشروطیت اینك در جلو روی ما است. درآن‌وقت‌قدوالیزم قبیله‌ای و نمایندهاشرافیت لیبرالی، همانطور که اینك شما می‌خواهید، عمل کرد. آن‌ها به‌قول «اوداوردراون»، سردسته فراماسون های‌ایرانی، باکرم‌وبخشایش و بزرگواری نسبت به‌گناهکاران عمل کردند و ریشه‌های فساد را به‌جای خود باقی گذاشتند و از همین ریشه‌های زهرآگین بود که سرانجام درخت سلطنت نگین و خون‌آشام پهلوی در ایران سرکشید تا ایران و ایرانی را به‌بردگی بکشاند.

شما خوب می‌دانید وماهم‌خوب‌می‌دانیم که پایه سلطنت پهلوی ــ پهلوی نوعی ــ نه‌در اواخر دهه دوم این قرن بلکه درهمان دهه اول این قرن، وبه‌علت همین‌گذشت از گناه گنهکاران، به‌تدریج استوار شد و اسارت پنجاه و شش ساله مردم ایران نتیجه ناامیمون همان «عفو گنهکاران» است. ما نمی‌خواهیم و نباید اجازه دهیم که به‌نام «ترحم نسبت به‌گنهکاران»، زمینه اسارت مردم میهن‌ما و شکست انقلاب‌بزرگی ما فراهم شود. ما هرگونه ترحمی نسبت به‌این سیاهکاران و این عاملین گوش به‌فرمان شاه را پتکی می‌دانیم که برفرق انقلاب بزرگ ما فرو می‌آید، و برعکس هر مهره‌ای که از دست جهانخواران امپریالیست گرفته شود، به‌همان اندازه زمینه اعاده اوضاع گذشته سست‌تر می‌شود.

اما در عین حال این زوزه‌های نابکارانه برای ما تعجبی ندارد. شما باید بکوشید تا مهره‌های بازیهای سیاسی آینده خود را به‌هر نحوه که شده، از زیر ضربه خارج کنید. تعجب و حیرت ما از کسان و عواملی است که در داخل کشور ما، بی‌توجه به‌رسیهای تاریخ و برخلاف اسلام واقعی، و گاه به‌نام اخلاق و انسانیت، و گاه به‌نام «سنن اسلامی» و «فضیلت عفو و بخشایش»، دانسته یا ندانسته پلی عملا در همین راه گام برمی‌دارند. اینها با دل‌نازکی و دل‌رحمی و ابراز دلسوزی برای سیاهکاران می‌خواهند انقلاب ایران را در نیمه‌راه متوقف سازند و این کار را هم به‌نام «پیروی از سنت اسلامی عفو و گذشت» انجام می‌دهند.

اسلام دین ریاضت و رهبانیت نیست. مسیح به‌اقتضای زمان خود و تحت شرایطی که او را احاطه کرده بود، تنها به‌جنبه‌ای،

اعلام خطر از صنایع ملی

احتمالا بیانگر سیاستی در جناحی از دولت کنونی است. مردم ایران چند هفته‌ای‌است که سخت از گفته‌های وزیر اقتصاد و سپس معاون نخست‌وزیر و سخنگوی «وقت» دولت موقت به‌حیرت افتاده‌اند، زیرا ادعا های آنان درباره «غیر اقتصادی بودن» «ضرردادن» و «غیر متداول بودن» صنایع فولاد و ذوب‌آهن اصفهان، همه را به‌یاد مخالفین صنایع مادر و تحکیم اقتصاد سالم و ملی و به‌یاد دعاوی طرفداران «صنایع» مونتاژ و وابسته‌کنندگان همه چرخ‌های کشور به‌واردات اساسی‌ترین مواد مورد نیاز از کشورهای امپریالیستی می‌اندازد.

این سخنان چنان با واقعیات در تضاد بود و به‌قدری با ماهیت و منافع انقلاب بزرگ ایران متناقض بود که عده‌ای از سردرگم گرد، عده‌ای رابه‌اعتراض‌واداشت، عده‌ای را ناچار به‌توضیح و راهنمائی کرد و البته عده‌ای هم ــ از جانبداران‌حکومت مخلوع ــ سخت خوشحال شدند. توضیحات مفصل و روشن‌کننده‌ای که از جانب «شورای کارکنان مرکزی شرکت ملی ذوب آهن» انتشار یافت، با رقم ومدرك و سند، ادعای ضرر دادن و غیرمتداول بودن را ردکرد، در بسیاری از جراید و منجمله در «مردم» (شماره ۹) منتشر شد و صاحب‌نظران، که به‌درستی نطفه‌های خطر را حس می‌کردند، قلم به‌دست گرفتند. نظیر آقای مهدی بهشتی‌پور، که از مدافعان پر سابقه صنایع ملی و مادر پولاد در ایرانست و مقالات مفصل و تحقیقی انتشار دادند. همه اینها نشان بیداری و آگاهی بود، معلوم شد که در یکی از حساس‌ترین مسائل، که کسب استقلال اقتصادی و رهائی از وابستگی به‌اقتصاد مونتاژ است، افکار عمومی و میهن‌پرستان بی‌تفاوت نیستند و به‌فوریت عکس‌العمل کرد از یك دستاورد بزرگ و ازیك‌آرزوی ملی دفاع می‌کنند و برای قطع‌تمام‌رشته‌های نواستعمار و وابستگی می‌کوشند.

در چنین شرایطی، جای شگفتی نیست اگر تجدید مطلع از جانب آقای نخست وزیر، که عملا در جهت تخطئه ذوب‌آهن و غیر اقتصادی جلوه‌دادن آن بود، لااقل حیرت‌انگیز تلقی شود. در زمانی‌که دولتی به‌دنبال انقلاب ضد امپریالیستی به‌روی کار آمده، انتظار عمومی آنست که راه استقلال اقتصادی و توسعه سالم و متکی بخود اقتصادی در پیش گرفته شود و از بیراهه هائی که نواستعمار پیش پای کشورهای در حال رشد می‌گذارد، هشیارانه اجتناب گردد.

برای امپریالیست‌ها چه بهتر آن‌که کشورهائی نظیر ما همیشه نیازمند آنهاباقی بمانند و صنایع مادر در آن‌ها ایجاد نشود. مگرنه‌آنست که از نیمه اول قرن گذشته، در زمان عباس‌میرزا و در نیمه دوم قرن، به‌هنگام امین‌الضرب مانع ایجاد چنین پایه‌هائی شدند؟ مگر نه‌اینست که انواع مستشاران و متخصصان و وزراء و سفرای آن‌ها از امریکا وانگلستان‌وآلمان و غیره، در امر ایجاد ذوب‌آهن سال‌های متمادی کارشکنی کردند و همچنین‌بهانه‌ها را بارها و بارها تکرار کردند؟

چه اسراری است و چه چیزی پشت‌پرده است که میخواهند واقعیات را دگرگونه جلوه دهند؟ آیا ناآگاهی و عدم توجه به ارقام و بیلان‌ها و برنامه‌ها می‌تواند تنابه استدلال با امثال اشتری‌ها و مجیدی‌ها و اردارها را توجیه کند؟ چرا سخنی از سه میلیارد تومان ضرر می‌کنند، در حالی که به‌نوشته شورای نامبرده، ۳۷۳ میلیون تومان بابت اصل وبهره سرمایه درگردش، به‌بانك ملی برگشت داده شده و ۵۱ میلیون تومان مالیات حقوق به‌وزارت دارائی پرداخت شده و در مقابل ۱۷ میلیون‌تومان کسری داشته است؟ مگر در همه‌جای دنیا چنین صنایع عظیمی، تا هنگامی‌که به‌سطح معینی از رشد ودرجه مطلوبی از گسترش نرسند، وضع چگونه است؟ و مگر میهن دوستان می‌توانند از اصل عمده ایجاد صنایع مادر و به‌کار گماشتن ده‌ها هزار کارگر و ایجاد اینهمه تاسیسات معدنی و حمل و نقل و ساختمانی جنبی چشم‌پوشی کنند؟ در کنار ذوب‌آهن ایران، درست به‌خاطر آن‌که از وابستگی امپریالیستی برکنار و صنعتی بود بواقع مادر و اصیل، ده‌ها معدن کشف و استخراج شد و شبکه راه آهن بفاصله ۲۵ درصد گسترش یافت، راه‌های بفاصله ۵ و پل‌ها و شهرك‌ها وساکن ساخته شد و مراکز متعدد آموزشی برای تربیت مهندسان و تکنیسین‌های ایرانی به‌منظور ایجاد کادر ملی و بی‌نیازی از متخصص خارجی تاسیس گردید. همه اینها، به‌رغم خارجی‌ها در سیه و هزاران مانعی که دستگاه جبار پهلوی ایجاد می‌کرد و به‌رغم قوانین خلق‌الساعه‌ای که بسود رضائی‌ها و به‌نام «مرد پولادین» ایران و به‌کام مشتی غارتگر و به‌بهانه «اقتصادی بودن» طرح شدن اینگونه مسائل را به‌حداقل برساند... اما آنچه که قطعی است اینست‌که بسیاری از این قراردادها به‌نفع ما نیست و لغو خواهد شد.»

این اظهارات آقای وزیر خارجه‌مطالب چندی را مطرح میسازد: نخست‌اینکه، از نظر وزارت خارجه، برخی از قراردادهای نظامی، که با دولت‌امریکا و یا انحصارات اسلحه‌سازی امریکائی انعقاد یافته، منتشر شده‌اند، یك چنین نظری در واقع عجیب و غریب است. آیا می‌توان، حتی به‌صورت فرض، تصور کرد که قراردادی در مورد مستشاران نظامی و یا خریدهای اسلحه و به‌طور کلی در زمینه امور نظامی با ایالات متحده امریکا و یا با انحصارهای اسلحه سازی منعقدشده باشد که «به‌نفع ما» باشد؟ نسبت به‌کدام‌یك؟ آیا می‌توان، حتی خیال پردازانه، فرض‌کرد که فلان گروه نظامی امریکا، چه به‌عنوان مشاور و چه به‌عنوان کارشناس و یا هر نام دیگری، برای اداره ارتش «ژاندارم‌منطقه‌امپریالیسم امریکا» به‌ایران گسیل شده‌باشند و آن‌ها ماموریت یافته باشند که «به‌نفع ما» کار کنند و یا این‌که خرید فلان اسلحه از امریکا «به‌نفع ما» بوده است؟ البته نه، هزار بار نه، به‌تعداد قراردادهای نظامی که با دولت امریکا و انحصارهای اسلحه سازی امریکا بسته شده، نه!

دوم اینکه، چرا قراردادهای نظامی که «بنفع ما نیستند ــ همه آن‌ها به‌نفع ما نیستند ــ باید «تدریجا» لغو شوند؟ این تدریج برای چیست؟ از نظر وزیر خارجه، برای اینست‌که باید با انحصارهای اسلحه سازی فروشنده اسلحه وارد دعوای حقوقی شد، وکیل و مشاور حقوقی داشت، تا طبق قوانین حقوقی امریکا ثابت کرد که قرارداد قابل لغو است. اگر فرض‌کنیم که این نظر در مورد قراردادهای‌خریدوفروش اسلحه صدق می‌کند، در مورد قراردادهائی که با دولت امریکا و وزارت جنگ امریکا بسته شده که صدق نمی‌کند. در زمان شاه

قرارداد دوجانبهٔ نظامی...

بی‌ربشه و وابسته اهواز و بانك شهریارش وضع می‌شد، بدست آمده، است.

خوشبختانه مردم ایران بهوشند وبفوریت صدای زنگ خطر را شنیدند. آن‌ها از مجتمعی که تمام مراحل تولید را داراست و در سطح پیشرفته‌ترین واحدهای ممتاز است دفاع کردند و صلاح کشور را در تقویت و گسترش آن دانستند.

پرفسور مکری، سفیر تازه ایران در شوروی، که قبل از سفر، با رهبر انقلاب، امام خمینی، دیدار نموده، در مصاحبه اخیر خود ضرورت توسعه مجتمع‌ذوب‌آهن‌اصفهان را از ۵۵۰ هزار تن فعلی تا ۸ میلیون‌تن خاطرنشان ساخته و درباره ادامه‌مذاکرات در این جهت با دولت شوروی و ادامه و تعمیق همکاری‌های نزدیکش در این زمینه سخن رانده است.

ما از مشی درست حفظ و تحکیم استقلال ملی در زمینه اقتصادی، کوتاه کردن دست انحصارات امپریالیستی، ایجاد صنایع مادر و رشته‌های تعیین کننده، تربیت کادرهای متخصص ایرانی، رشد منظم و سالم اقتصاد بر شالوده صنایع سنگین، که میهن ما امکان ایجاد آن‌را بفراوانی‌دارد،هستیم. دفاع از صنایع فولاد ایران جزء جدانشدنی این مشی درست و جوابگوی نیازها و مقتضیات انقلاب ما در سمت‌گیری ضد امپریالیستی و خلقی آنست.

به پخش هرچه وسیع‌تر «مردم» کمك کنید

کمك به‌توزیع و پخش هرچه‌وسیع‌تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی‌حزب توده ایران، یك وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواخواهان و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه ازجهان یا هربك از شهرها و روستاها،امکاناتی دارند، تقاضادارایم با دفتر مرکزی «مردم» تماس بگیرند.

گروه کشورهای غیر متعهد و مبارزه علیه امپریالیسم

مخلوع، دولت ایران با دولت امریکا رشته قراردادهائی در مورد مستشاران وکارشناسان نظامی امریکا بسته، که طبق آن‌ها، ماموران پنتاگون عملا اداره تمام امور ارتش ایران را در اختیار گرفتند. فسخ این قراردادها ناحتیاج به‌وکیل مدافع دارد و ندعوای حقوقی، چرا این‌گونه قراردادها ملغی نشده‌اند؟

سوم این‌که، بنا به‌اظهارات‌وزیر خارجه، شیوه‌عمل نظام گذشته چنان بوده که‌این‌گونه مسائل، فاش نشده. بنابراین شیوه نظام‌جدید، دولت جمهوری اسلامی ایران، باید چنان نباشد، باید افشاگر عملیات ضد ملی نظام گذشته باشد و بنابراین باید تمام قرارداد های نظامی را که با دولت‌و یا انحصارهای اسلحه‌سازی امریکائی انعقاد یافته، منتشر کند، تا افکار عمومی کشور از درجه و وسعت خیانت نظام گذشته ،نسبت به‌حیاتی‌ترین مصالح کشورما، مطلع گردد. این اقدامی است انقلابی که ضربه سنگینی به بازماندهای نیروهای ضد انقلابی وارد خواهد ساخت و بنابراین باید انجام گیرد.

از همه مهم‌تر ــ و این موضوعی گرهی است ــ آقای وزیر خارجه نامی ازقرارداد دوجانبه نظامی، که بسال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) بین دولت شاه خائن و دولت امریکاانعقاد یافته، نبرده است. چرا؟

آقای دکتر یزدی به‌درستی اظهار داشته است که ایران از پیمان سنتو خارج شده، زیرا که این پیمان «ارتش مارا به‌صورت یك زائده در رابطه با ارتش‌های خارجی قرار می‌دهد و مانع می‌شود که ارتش ما مستقل و ملی باشد.»

این سخن بی‌کم و کاست نسبت به‌قرار داد دوجانبه نظامی با امریکا نیز صدق می‌کند. قرارداد دوجانبه در زمان ارتش مارا به‌صورت یك زائده‌ارتش‌امریکا درمی‌آورد. ولی دولت نه‌فقط الغای آن‌را‌اعلام نکرده، بلکه وزیرخارجه دراظهاراتی که درباره قراردادهای نظامی نموده، حتی اسم این قرارداد راسازش‌بخش را برزبان نیاورده است.

ما بنام مصالح عالیه کشور و منافع حیاتی مردم ایران، بار دیگر مصراته خواستاریم که متن این قرارداد، که به امریکا «حق» گسیل ارتش‌به‌ایران‌می‌دهد، منتشر گردد. باید از دیپلوماسی سری کهنه و در همه‌جا وسیله انجام عملیاتی بر ضد منافع و مصالح خلق بوده و هست، اکیدا پرهیز کرد.

و اگر ما می‌خواهیم که ارتش ما مستقل و ملی باشد، و اگر به‌طور کلی می‌خواهیم که اصولا سیاست دولت ایران ملی و برخوردار از استقلال باشد، این قرارداد، مانند خروج از سنتو، باید بلادرنگ لغو شود.

با انحصارهای خارجی و...

در نتیجه استقلال سیاسی واقعی میهن ما امکان ناپذیراست. به‌همین جهت برانداختن نفوذ و تسلط اقتصادی انحصارهای خارجی و سرمایه‌داران بزرگ داخلی، که خاندان رسوای پهلوی در راس آنان قرار داشت، یکی از هدف‌های عمده انقلاب ایران و یکی از وظایف اساسی دولت موقت‌جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد.

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران با طرد کنسرسیوم بین‌المللی نفت و ملی‌کردن واقعی صنایع نفت، الغای برخی از قرار ـ دادهای چندین میلیاردی خرید سلاح‌های جنگی، نیروگاه‌های اتمی و غیره، همراه با خروج از پیمان تجاوزی سنتو، گام بسیار بزرگی در راه تامین استقلال‌اقتصادی و سیاسی کشور برداشت. مصادره «اموال» یاقیمانده خاندان پهلوی در ایران، کوشش برای بازگرداندن ثروت‌های غارتی آنان از خارج و یا مصادره اموال غارتگرانی نظیر القائیان و خرم نیزگام‌هائی است که در راه برانداختن نفوذ اقتصادی‌عمال امپریالیسم در ایران برداشته شد.

ولی متاسفانه باید گفت، با وجود این گام‌ها و اقدامات اولیه، که به‌جای خود مثبت و مورد تایید و پشتیبانی تمام‌نیرو های انقلابی، از جمله حزب تودهٔ ایران است، روش و سیاست دولت موقت درباره پایان دادن به‌سلطه انحصارهای خارجی و سرمایه‌داران داخلی وابسته، که فقط می‌تواند از راه ملی‌کردن بدون قید وشرط سرمایه‌های آنان انجام گیرد، هنوز مبهم و ناپیگیر است.

تعیین سرنوشت نهائی قراردادها با کشورها و انحصارهای امپریالیستی‌به‌بررسی یکایك این قراردادها موکول شده است. درباره سرمایه‌داران بزرگی که در آستانه انقلاب و یا پس از آن مبالغ هنگفتی از ثروت‌های بادآورده خود رااز کشور خارج کرده و به‌بانك‌های بیگانه سپرده و خود نیز از ایران فرار کرده‌اند، تصمیم روشن و قاطعی اتخاذ نشده است. گام مسئله ملی کردن واحدهای تولیدی و موسسات بانکی سرمایه‌داران بزرگ به‌تصویب قانون‌اساسی جدید موکول می‌گردد، گاه حتی از سرمایه‌داران بزرگی نظیر علی‌رضائی، که پس از غارت بی‌پروای ثروت‌های ملی و تاراج زحمتکشان ایران همراه بادهها و صدها میلیون دلار از کشور متواری شده‌اند، برای بازگشت به‌ایران و تجدید فعالیت اقتصادی (یعنی غارت بازهم بیشتر) دعوت به‌عمل می‌آید و برای اطمینان این خائنان وعده تضمین مال و جان به‌آنان داده می‌شود.

طبیعی است که مماشات با چپاولگران داخلی و خارجی، که یکی از سرسخت‌ترین پشتیبانان و ارتجاعی‌ترین پایگاه‌های اجتماعی رژیم جنایت‌کار و خیانت‌پیشه پهلوی بوده‌اند، نمی‌تواند با آمال انقلابی مردم متضاد، و با روح انقلاب بزرگی که با ایثار خون ده‌ها هزار شهید به‌پیروزی رسید، سازگار باشد.

واقعیت‌های کنونی میهن ما اقدام قاطع و پیگیر علیه این غارتگران داخلی و خارجی را ضرور میسازد. میهن ما اکنون وارث اقتصادی به‌هم‌ریخته و درهم کوفته از رژیم سابق است. باوجود اقدامات و تدابیری که از طرف دولت موقت برای سروسامان دادن به‌اقتصاد کشور به‌عمل آمده است، هنوز بسیاری از واحدهای تولیدی در حال تعطیل هستند. سرمایه‌داران بزرگ وابسته در کار تولید وتوزیع دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند، انحصار های خارجی هنوز پایگاه‌های مهمی در اقتصاد کشور دارند و به‌خرابکاری خود ادامه می‌دهند. تازه‌ای که با این‌غارتگران و خرابکاران داخلی و خارجی مبارزه پیگیر و قاطع انجام نگیرد و دست‌آنان از راه ملی‌کردن موسسات و سرمایه‌های آنان برای همیشه از اقتصاد کشور قطع نگردد، بی‌پرده‌ای یك اقتصاد سالم ونیرومند و مستقل کاری بس دشوار وحتی نامیسر خواهد بود.

حزب تودهٔ ایران، که در راه ایرانی آزاد، آباد، مستقل و پویا مبارزه می‌کند، در شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی خود، همراه با برنامه‌ای مشخصی در زمینه‌سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، پیشنهادهای‌روشنی نیز درباره لغو قراردادهای اسارت‌آور با انحصارها و کشورهای امپریالیستی و کوتاه کردن دست غارتگران داخلی و خارجی ارائه کرده است، که در زمان خود به‌طور وسیع در اختیار همه‌نیروهاومحافل اجتماعی گذارده شده است.

ما در اینجا بار دیگر پیشنهادهای‌مشخص حزب تودهٔ ایران را در این زمینه به‌آگاهی خوانندگان عزیز می‌رسانیم:

۱) ریشه‌کن ساختن تسلط امپریالیسم از کلیه شئون اقتصادی کشور، از طریق الغای کلیه قراردادهای اسارت‌آور؛

۲) ملی‌کردن کلیه موسسات صنعتی، کشاورزی و مالی متعلق به‌انحصارها و دولت‌های امپریالیستی، ملی کردن بانك‌ها و موسسات بیمه خصوصی وواحدهای‌بزرگ صنعتی و کشاورزی که در دست گزاران و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده متمرکزند و به‌طور عمده با سرمایه‌های امپریالیستی پیوند دارند؛

۳) ضبط همه ثروت‌های متعلق به‌اعضای خاندان پهلوی، کوشش در بازگرداندن ثروت‌هائی که توسط این افراد به‌خارج منتقل شده است. ضبط کلیه ثروتهائی که گردانندگان رژیم سابق و کارگزاران امپریالیسم در طول بیش از پنجاه سال تسلط این رژیم به‌تاراج برده‌اند. مصادره زمین‌های متعلق به‌زمین‌خواران بزرگ و سفته‌بازان زمین‌های شهری و واگذاری آن بشورای‌های شهرستان‌ها و شهرها و بخش‌ها برای ساختن خانه جهت‌زحمتکشان؛

۴) الغای قرارداد تحمیلی کنسرسیوم بین‌المللی نفت...

۵) الغای کلیه قراردادهای پرهزینه ایجاد نیروگاههای هسته‌ای‌موافقت‌نامه های مربوط به‌دفن زباله‌های اتمی در خاك کشورما.

اکنون انقلاب بزرگ مردم میهن ما برای کوتاه‌کردن دست انحصارهای خارجی وسرمایه‌داران بزرگ وابسته از اقتصاد میهن ما بمثابه یك وظیفه بزرگ ملی‌شرایط عینی لازم را فراهم آورده است. بر دولت است که در راه انجام این وظیفه، با بهره‌گیری از نیروی لایزال‌مردم زحمتکش ایران، بکوشد.

اخبار کارگری

تحصن کارگران بتون‌آرمه

گروهی از کارگران شرکت بتون‌آرمه، که از کار کنار گذاشته شده‌اند، در دفتر شرکت تحصن اختیار کردند. نمایندگان کارگران متحصن برای ایجاد شرایطی که بازگشت کارگران اخراجی به سر کار را امکان‌پذیر کند، با مسئولان شرکت سرگرم مذاکره‌اند. یکی از کارگران اظهار داشت که: «شرکت بتون‌آرمه از چند ماه پیش، بدون عذر موجه و بی‌آن‌که با ما تصفیه‌حساب کند، جوابمان کرده است. شرکت در آن موقع مدعی بود که به‌سبب انقلاب، کارهای ساختمانی خوابیده و وضع مالی شرکت به‌هم ریخته است، اما حالا که امور ساختمانی دوباره رونق گرفته، این بهانه را دیگر چگونه می‌توان عنوان کرد؟»

دعوت از کارکنان شرکت‌های ساختمانی

کارکنان شرکت‌های ساختمانی تهران و حومه، برای انتخاب هیات‌مدیره و تصویب اساسنامه خود، ساعت ۳ بعدازظهر پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه، تشکیل جلسه می‌دهند. اساسنامه کارکنان شرکت‌های ساختمانی توسط‌هیات مؤسس تهیه شده است. هیات مؤسس محل اجتماع را خیابان لاله‌زار، چهارراه کنت، پاساژ صدری (طبقه دوم) اعلام کرده است.

شورای کارکنان کارخانه چیت‌سازی تهران اداره کارخانه را به‌عهده گرفته‌است

درکارخانه چیت‌سازی تهران، حدود ۲۵۰۰ کارگر کار می‌کنند. این رقم قبل از اعتصاب و تحصن بزرگ کارگران در اردیبهشت ماه ۱۳۵۵، بالغ بر سه هزار نفر بود که در جریان اعتصاب، هزارنفر از کارگران، به‌واسطه سر باز زدن از سپردن تعهد مبنی بر خودداری از ادامه مبارزه، اخراج شدند.

پس از پیروزی قیام بهمن‌ماه، کمیته‌ای مشتمل بر ۴۵ کارگر، که از جانب همه کارگران انتخاب شده بودند، جهت رسیدگی به‌وضع کارگران و کارخانه تشکیل شد. کمیته مذکور در نخستین مراحل بررسی خود متوجه شد که نام ۲۵۵ نفر در لیست حقوق‌بگیران کارخانه وجود دارد که کسی آن‌ها را نمی‌شناسد ومعلوم نبود که چه‌کسانی تحت این عناوین، طی سال‌ها، از بودجه کارخانه حقوق‌های گزاف می‌گرفته‌اند. مجموع مبلغی که در سال به‌این اشخاص پرداخت می‌شده، بالغ بر چهارده میلیون تومان بوده، که اگر به‌تساوی بین کارکنان واقعی کارخانه تقسیم شود، به‌هریك ماهانه ۴۶۶۰ تومان می‌رسد! و این گوشه‌ای از فساد و غارتگری عمال رژیم سابق را نشان می‌دهد. کمیته به تهیه فهرستی از عمال ساواك و جاسوسان کارخانه پرداخت تا نسبت به‌اخراج آن‌ها اقدام شود.

به‌دنبال تشکیل شورای کارگران در کارخانه چیت‌سازی قائم‌شهر (شاهی سابق)، کارگران این کارخانه نیز تصمیم گرفتند، شورای‌کارخانه خود را به‌وجود آورند. بدین منظور از میان ۴۵ نماینده فوق ۱۵ نفر را برای شورا انتخاب کردند، که از میان آن‌ها ۴ نفر به‌عنوان اعضای اصلی شورا، همراه با یك نماینده از کارمندان و نیز معاون سازمان گسترش مالکیت صنعتی، انتخاب شدند.

اعضای شورا، مدیریت کارخانه را به‌عهده گرفتند. شورا از بدو فعالیت، تصفیه محیط کارخانه را در اولویت قرار داد. سرهنگ خواجه‌نوری، رئیس کل انتظامات کارخانه، دستگیر و تحویل کمیته امام داده شد. عده‌ای دیگر از عمال ساواك، که در مقام‌های مسئول و مدیریت کارخانه لانه کرده بودند، اخراج شدند. هم‌اکنون کلیه امور کارخانه، اعم از امور تولید و فروش و حسابداری را، شورا اداره می‌کند. شورا برای پاری به‌امر انقلاب، از کارگران خواسته است که تولید را دردسر افزایش دهند. کارگران مصمم‌اند با کار و کوشش منظم خود و اداره صحیح کارخانه، زیرنظر مدیریت شورای مذکور، نشان دهند که کارگران و زحمتکشان، برخلاف تصور برخی از مقامات دولتی، کاملا توانایی اداره مؤسسات تولیدی خود را دارند و بهتر از هرکس می‌توانند به‌امر بنیان‌گذاری یك اقتصاد سالم و مولد یاری رسانند.

اقدام برای تأسیس سندیکای نقاشان ساختمان

کارگران نقاش ساختمان، به‌عنوان نخستین قدم عملی در تشکیل‌سندیکای خود، تصمیم گرفتند

یاد شهیدان حزب را گرامی بداریم

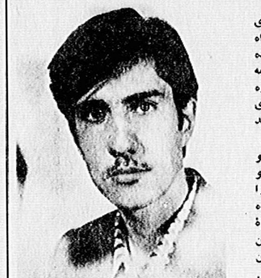

حزب تودهٔ ایران در راه آرمان‌های طبقه کارگر و خلق زحمتکش، در راه آزادی و استقلال ایران قربانی‌ها داده است نام برخی از این جانبازان را همه می‌دانند، ولی نام بعضی از آنان تازه باید با گوش‌ها آشنا گردد و نام عده‌ای دیگر تازه دارد کشف می‌شود و یا باید کشف شود.

«مردم»، با کمک اعضاء، هواداران و دوستان حزب و همه میهن‌پرستان و آزادی‌خواهان ایران، می‌کوشد مردم را به‌تدریج با این نام‌های گم شناخته شده و یا ناشناس آشنا کند. باشد که خاطرهٔ تابناک این رزمندگان شهید دیرزمانشان گردد و زندگی و پیکار و شهادت‌آنان نیز سرمشق ادامه‌دهندگان راهشان شود.

سعید محمدعلیزاده درسال ۱۳۲۸، در بخش شیشتر، زادگاه معجز رزمجو، درخانواده‌ای متوسط‌الحال چشم به‌جهان گشود. پس از پایان تحصیلات دبیرستانی، در سال ۱۳۴۸ وارد دانشگاه تبریز گردید و در سال ۱۳۵۲ در رشته فیزیک فارغ‌التحصیل شد.

سعید از آغاز ورود به‌دانشگاه به‌صورت جستجوگری خلاق به‌جریانات متفاوت انقلابی نزدیک شد. در اواخر سال ۱۳۵۱ بذرهای پیک‌ایران ــ بانگ رسای حزب توده ایران ــ و جزوات و نشریات حزبی در فروغ وجدانش به‌صورت درختی تناور بالید و از سعید شخصیت جدیدی، مسلح به‌تئوری مارکسیسم ــ لنینیسم و عشق و ایمان به توده‌های خلق سربرکشید. سعید در حزب توده ایران زندگی جدیدش را آغاز کرد.

«حزب ما خرد، افتخار و وجدان‌بیدار دوران ماست. این وظیفه ماست که در راه تامین و حفظ استحکام، یک‌پارچگی، پیگیری و پاکی حزبمان بکوشیم. این مایهم که باید عنوان، اهمیت و اعتبار عضویت حزب را با تلاش بی‌امان‌مان بالا، بالا و بالاتر بریم.»

این سخنان لنین مکرر در مکرر برلبانش جاری بود تا این که در همان سال، مزدوران ساواک دستگیرش کردند، ولی به‌علت نیافتن مدرکی درخور، آزاد گردید.

پس از فراغت از تحصیل، سعید در لباس افسر وظیفه مشغول خدمت در آموزش و پرورش شهر میاندوآب شد، و به‌علت عشق بی‌پایانش به‌سرنوشت توده‌های رنجبر، اغلب اوقات خود را در مصاحبت و نزدیکی با اقشار محروم مردم می‌گذراند و منشأ تمام بدبختی‌ها و فلاکت آن‌ها را با زبانی ساده برای‌شان بیان می‌کرد.

سعید به‌توده‌ها باوری عظیم داشت و می‌دانست که وقتی آموزش‌های حزب ــ این رزمندهٔ خردمند ــ در ذهن توده‌ها جا بگیرد، به‌قدرتی لایزال بدل می‌گردد.

بشردوستی سوسیالیستی و شخصیت توده‌ای او، هنوز هم ورد زبان زحمتکشان دیارش است. وقتی چند دهکده اطراف میاندوآب در محاصره سیل شدید قرار گرفت، سعید، این فرزند بلافصل حزب توده‌ها، به‌محض اطلاع از این موضوع، به‌نجات روستائیان شاقف و ۵ روز متوالی، همدوش خانه بدوشان دهات آذربایجان، با قهر طبیعت درآویخت. و همین مهر و عشق بی‌پایان به‌توده‌ها و نفرت و کین آگاهانه به طبقات ستمگر و رژیم جلاد پهلوی کافی بود که دژخیمان روز سیزده خرداد ۱۳۵۳، به‌بهانه شنا در زرینه رود، بازندگی این توده‌ای رزمجو و کوشنده و بی‌باک خاتمه دهند.

زحمتکشان شیشتر در سوگش اندوهبار گریستند، چرا که سعید آموزگار کوشائی بود و قلبی به‌وسعت دریا داشت.

کدام نیروها علیه حزب تودهٔ ایران...

عمل خود می‌دانند، مبارزه کرده‌اند، شهید داده‌اند، و به‌حق در انقلاب پیروزمندایران سهمی دارند. برای ما این سؤال مطرح است که: این گروهها چرا باید همان‌سازی را بنوازند که سالیان درازسردمداران‌رژیم فاسد و فادارپور محمدرضائی می‌نواخت و میکوشید در برابر اربابان خویش، خود را قهرمان ضد شوروی در مقیاس منطقه و قهرمان ضد توده‌ای در مقیاس ایران بقلم بدهد و با دستیاری سیا دستگاه ساواک را به‌وجود آورد، که بعدها هم سایه موساد صهیونیستی برسرش افتاد و گرگهای‌درنده ساواک را مامورشکار بهترین فرزندان خلق‌های میهن ما کرد، آنهمه خون ریخت و آنهمه خاندانها را برباد داد؟! این‌ها چرا باید با اتخاذ روش‌های ضد توده‌ای و ضد شوروی در کنار هارترین جناح‌های امپریالیسم و بازماندگان رژیم سابق و گروه‌های مائوئیست و تروتسکیست‌قرار گیرند؟! چرا باید در ایجاد و تشدید جو ضد توده‌ای، یار و مددکار همان‌ها باشند که دیروز یاران آن‌ها را به‌سلسل‌می‌بستند؟

برای ما دشوار و ناگوار است باورکنیم که این گروه‌ها به‌عواقب وخیم راهی که در پیش گرفته‌اند، توجه دارند و دانسته و فهمیده این راه را برگزیده‌اند.

باوجود این به‌هرحال این راه روش در عمل جز تولید نفاق و اختلاف در بین نیروهای راستین انقلاب، که عمده‌ترین وظیفه آن‌ها اتحاد عمل در برابر دشمن اصلی، یعنی امپریالیزم و بقایای رژیم خونخوار محمدرضائی است، چه‌نتیجه‌ای می‌تواند دربر داشته باشد؟

ما در یکی از حساس‌ترین لحظات و سر پیچ‌های مهم تاریخ ایران قراردارایم. دشمن درکمین است که دستاوردهای انقلاب را از ما بربایند. با این‌که این دشمن خونخوار و سرسخت هنوز، چه در خارج از ایران و چه در داخل ایران، پایگاه‌های استواری دارد و یک لحظه از توطئه و دسیسه علیه انقلاب بیرون‌زمند ما باز نمی‌ایستد، اما غلبه بر این دشمن، با همه نیرومندی‌آن، دشوار نیست. بردمترین حربه در برابر این دشمن، **اتحاد عمل تمام نیروها است. تفرقه و تشتت در بین نیروهای انقلابی،** درست همان است که دشمن چشم امید به‌آن دوخته‌است. روشهای چپ‌روانه، روش‌های ضد توده‌ای، و هرآنچه باین دشمن لجوج وسیله و مجال استوار کردن پایگاه‌هایش را بدهد، ضربه‌ای است به‌آینده انقلاب.

امپریالیسم شکست خورده، بزرگ‌ترین و عمده‌ترین پایگاه‌های خود را از دست داده، اما هنوز امید خود را ازدست‌نداده است، دشمن با کمال هشیاری و گوش بزنگی از هر نقطه ضعف انقلاب استفاده می‌کند و اکنون که تا حدی از زیر ضربه گیج کننده نخستین به‌درآمده است، با تمام قوا صفوف خود را آرایش می‌دهد و می‌کوشد تا همه گروه‌های ضد انقلاب رادر یک جهت معین متشکل سازد. بزرگ‌ترین روزنه‌ی امیدی که می‌تواند بروی دشمن باز شود، تفرقه و اختلاف‌نیروهای انقلابی است. آن‌ها به‌این امید بسته‌اند که پیشداوری‌های غلط با حسن نیت ترین گروه‌ها، خطاها و اشتباهات تاکتیکی نیروهای انقلابی، چپ‌روی‌های زیان‌بخش، و دیگر عوامل تفرقه، این نیروها را در برابر هم قرار دهد، تا آن‌ها بتوانند با دل راحت، ضربت خود را فرود آورند. و اگر این ضربت فرودآید در مسیرخود همه‌چیز را می‌کوبد و از میان برمی‌دارد.

بنابراین در لحظات کنونی‌وظیفه‌خطیری به‌عهده همه نیروهای انقلابی است. این مسئولیت تاریخی را خرد نگیریم. این وظیفه در این بیان کاملا درست انعکاس می‌یابدکه، **جبهه اصلی نبرد، جبهه‌ی ضد امپریالیستی است و هرگونه غفلت ازتمرکز** نیروها در این جبهه، زیانی بزرگ به‌بار می‌آورد.

از کمك شما سپاسگزاریم

دوست گرامی «ح ــ ۲۵۵ مت»، مبلغ ۵۰۰ تومان به‌عنوان کمك به حزب تودهٔ ایران، به‌دفتر «مردم» پرداخته‌اند. از ایشان صمیمانه سپاسگزاریم.

«مدتها بود شعر نمی‌گفتم. اما این هدیه ناچیزی است از من به‌مردی که به‌نظرم واقعا تجسم وجدان مردم بود»

ا. ح. دریا

بر مزار خسرو روزبه

یك لحظه هم به‌مرگ تو باور نکرده‌ایم
زیرا که نام پاك تو همپای زندگی است
نام تو چون تجسم عصیان به‌بندگی است
این نام را نهبید! زسر درنکرده‌ایم

در دادگاه خلق تو بهروز بوده‌ای
نه دشمنان که ننگ به‌ارزان خریده‌اند
این کور دیدگان همه امروز دیده‌اند
کانان شکست خورده، تو پیروز بوده‌ای

هر عضو حزب یاد تو با خویش می‌برد
هر زجر دیده نام تو تکرار می‌کند
بر جاودانگی تو اقرار می‌کند
هر دل که بر مزار تو امروز می‌طپد

نامت برای حزب تو اسم است و افتخار
آن‌نمونه‌ای که حزب تورا افتخار بود
ای مرد جاودانه و ای جاودان سرود
برخیز و خلق را بنگر باز درکنار

یار اکراه کند که بگوید ز ما گمی
هر کشته‌ای به‌نام تو فریاد می‌کند
آن‌جا که ظلم و فاجعه بیداد می‌کند
تو روزبه! تجسم وجدان مردمی

خانهٔ روزنامهٔ «مردم»ودروغپردازی...

ایران خانه‌ای را که دفتر روزنامه «مردم» است، به‌مبلغ هنگفت چهارده‌میلیون تومان «خریداری کرده است». پس از چندروز رقم بهای خانه به‌اصطلاح خریداری شده را بالابردند و آن‌را از ۱۴ میلیون به ۱۷ میلیون افزایش دادند. سپس بازهرروز مبلغی برآن افزودند تا قیمت را به‌ده‌ها میلیون رساندند، و اگر سرعت این دروغ سازی با همین آهنگ پیش رود، باید انتظار داشت که در آینده نزدیك این‌رقم از مرز صد میلیون و شاید صدها میلیون نیز تجاوز کند!

کسانی‌که این دروغ‌ها را شایع‌می‌سازند و متاسفانه گاه برخی از افراد سرشناس نیز به‌خیل آن‌ها می‌پیوندند، می‌خواهند چنین جلوهٔ دهند که گویا حزب تودهٔ ایران به‌منابع مالی سرشار» دسترسی دارد!..

در این میان، افراد ساده‌دل و زودباوری که به‌دام این شایعه‌پردازان می‌افتند، پس از شنیدن این‌قبیل اکاذیب، گاه بدون اندك تلاش برای روشن‌کردن حقیقت، به واگوی آن‌ها می‌پردازند، و بی‌آن‌که خود خواسته‌باشند، به‌رونق بازار شایعه سازی و پخش اکاذیب گمراه کننده، کمك‌می‌رسانند.

و اما حقیقت چیست؟ حقیقت اینست که خانه دفتر روزنامهٔ «مردم»، خانه‌ای‌است متعلق به‌آقای مهندس جمشید هرمز. یکی از شخصیت‌های آزادی‌خواه، که خود در مضیقه مالی است، یعنی مقروض است، و نوسازی ساختمانش هنوز به‌پایان نرسیده است. و اینان خانه ناتمام خود را در مقابل ماهانه ۴۵ هزار تومان، به‌حزب‌تودهٔ ایران اجاره داده‌اند و حزب نیز متاسفانه تاکنون در پرداخت اجاره بهای آن با دشواری بسیار روبرو بوده است.

بدین‌سان برخلاف دعوی شایعه‌سازان، حزب تودهٔ ایران حتی فکر خرید خانه ۱۴ میلیون تومانی و بیشتر را برای دفتر روزنامه ارگان مرکزی خویش،حتی‌به‌خاطر هم خطور نداده و نمی‌تواند خطور دهد، زیرا از نظر مالی سخت در مضیقه است و به‌همین جهت از کلیه انقلابیون و آزادی‌خواهان، از همه عناصر ملی میهن پرست و ترقی‌خواه جامعه ایران تقاضای کمك کرده است، و بسیار خرسند است که تقاضایش تاکنون بی‌جواب نمانده است.

کار شایعه‌سازان باید خیلی خراب باشد که برای پیشبرد اغراض ناپاك خود و در تلاش عبث برای بدنام ساختن حزب تودهٔ ایران به‌چنین شایعات ناشیانه‌ای متوسل می‌شوند. اینان از مگس «فیل» می‌سازند و عاج چنین «فیلی» را به‌بازار شایعه‌سازی عرضه می‌دارند.

ما از تمام افراد شریف و پاکدامن، از همه نیروهای میهن‌پرست و ترقی‌خواه و انقلابی انتظار داریم که هنگام برخورد با چنین شایعات پلیدی، وظیفه ومسئولیت وجدانی خود را ازیاد نبرند و باکوشش برای تمیز راست از دروغ و روشن‌ساختن حقیقت دست رد به‌سینه فتنه‌انگیزان و شایعه سازان بدانیش بکوبند.

رئیس دینی مسلمانان ماوراء قفقاز در اتحاد شوروی، پیروزی انقلاب و استقرارجمهوری اسلامی در ایران را تهنیت می‌گوید

شیخ‌الاسلام غضنفر ابراهیموف، رئیس دینی مسلمانان ماوراء قفقاز در اتحاد شوروی، طی مصاحبه‌ای اظهار داشت: «برای من و مسلمانان ماوراء قفقاز مایه مسرت و خوشبختی است که انقلاب مردم مسلمان ایران پیروز گردید و دراین کشور همجوار ما جمهوری اسلامی استقرار یافت. ما مسلمانان شوروی‌موفقیت و شکوفائی مردم این کشور همسایه را در ساختمان زندگی نوین آرزومندیم.»

شیخ‌الاسلام ابراهیموف، از روحانیون برجستهٔ محافل اسلامی است و ریاست اداره دینی مسلمانان ماوراء قفقاز، یعنی آذربایجان، گرجستان و ارمنستان شوروی را به‌عهده دارد.

شیخ‌الاسلام غضنفر ابراهیموف اظهار داشت: «مسلمانان ماوراء قفقاز با علاقمندی به‌گرایش‌های صلح‌آمیز و سازنده در کشور همسایه خود ایران می‌نگرند و در این راه برای همهٔ خلق‌های ایران موفقیت آرزو می‌کنند.

آرمان‌هائی‌راکه انقلاب ایران برای مردم بجا آورده، برای ما مردم آذربایجان بسیار آشناست. من دورانی را به‌خاطردارم که منابع نفت کشورما به‌وسیله انحصارات نفتی خارجی وحشیانه استثمار می‌شد. در آن زمان، در حالی‌که سودهای افسانه‌ای به‌بانك‌های اروپائی سرازیر می‌شد، کارگران صنایع‌نفت باکو، که تعداد کثیری کارگر ایرانی در میان آن‌ها بودند، بافقر و بدبختی دست‌به‌گریبان بودند. انقلاب در کشورما ثروت‌های نفتی را به صاحبان آنان باز گرداند، همچنان‌که انقلاب در کشور ایران، دست غارتگران امپریالستی و عاملین داخلی آن‌ها، یعنی رژیم خودفروخته را از منابع نفتی ایران کوتاه نمود و ثروت‌های طبیعی را در اختیار مردم کشورقرارداد.»

شیخ‌الاسلام ابراهیموف درباره تصمیم جمهوری اسلامی ایران در مورد قطع رابطه با اسرائیل و ابراز همبستگی با خلق عرب فلسطین اظهار داشت: «این اقدام شرافتمندانه احترام و حیثیت جمهوری اسلامی ایران را در انظار مسلمانان و همه خلق‌های آزادیخواه جهان بالا می‌برد، زیرا هرگونه کمك و همکاری با صهیونیست‌ها، احساسات ملی و مذهبی برادران عرب را جریحه‌دار می‌سازد و در حکم توهین است به‌اسلام و اماکن مقدس اسلامی.»

علاقمندی مسلمانان ماوراء قفقاز و همه خلق‌های کشور ما به‌پیروزی و شکوفائی انقلاب ایران، امریست طبیعی، زیرا ایران کشور همسایه ماست، که با مردم ما روابط سنتی دیرینه دارد. به‌ویژه ما خلقهای نواحی قفقاز، از دیرباز با مردم ایران در همه زمینه‌ها بی‌مذهبی، بازرگانی و فرهنگی روابط نزدیك و گسترده‌ای داشته‌ایم.»

شیخ‌الاسلام ابراهیموف درپایان مصاحبه خود گفت: «بااستفاده ازاین فرصت، می‌خواهم بهترین تبریکات خود را به‌مردم و رهبر انقلاب ایران تقدیم دارم. ما همواره موفقیت ملت‌ایران را برای ایجاد زندگی نوین و پیروزی در راه انقلاب از خداوند مسئلت می‌کنیم و امیدواریم که دوستی و روابط حسن‌همجواری میان خلق‌های دوکشور ما استوار و برقرار باشد.»

امپریالیسم امریکا ــ خطرناك‌ترین...

خشم وبیزاری دریافتند که قتل ناجوردانهٔ دو تن از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی ایران محصول‌مستقیم توطئه امپریالیسم امریکا و عمال ایرانی آنست.

و امام خمینی، ضمن افشای **این توطئه شیطانی تاکید کرد که:** «عمال امریکا مسئول ترور سرلشکر قرنی و آیت‌الله مطهری هستند.»

از جانب دیگر، کسانی مانند گردانندگان «آیندگان» کوشیدند که سازمانی به‌نام «فرقان» را، که گویا هم مذهبی است و هم «ضد امریکائی»، عامل تروروانمودسازند. درحالی‌که اگر سازمانی ایمان مذهبی راستین داشته باشد و ضدامریکائی هم باشد، مسلماً نمی‌تواند دست به ترور بزند که مستقیماً بسود ضد انقلاب، بسود امپریالیسم امریکا و بازمانده‌های رژیم خائن و منفور پهلوی تمام خواهد شد. به‌همین‌جهت است که امام خمینی تاکیدکرد که:

«عمال امریکا در جریان این ترورها خود را پشت سازمان مذهبی دروغین فرقان پنهان کرده‌اند.»

تمام این توطئه‌های خائنانه، تلاش‌های ننگین و اتهامات‌وافترا آت نفرت‌انگیز، که گاه در قیافهٔ «چپ» و گاه در لباس راست انجام می‌گیرد، نشانه آنست که انقلاب ایران درداخل و خارج کشور دشمنان خطرناك بسیار دارد و امپریالیسم امریکا بزرگ‌ترین دشمن آنست.

و همهٔ این‌ها به‌نیروهای انقلابی هشدار می‌دهد که باپی‌گیری در مبارزه و هشیاری در تمیز دوست از دشمن، و با اتحاد در برابر دشمن مشترك، باید توطئه‌های ضد انقلاب را عقیم گذارند.

و سرانجام باید خرسند بود که امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، با موضع‌گیری قاطع و روشن خود در افشاء منشاء واقعی این توطئه‌ها، یعنی امپریالیسم امریکا وعمال‌ایرانی‌آن‌ها، و بطلان کلیه اتهاماتی را که دراین زمینه از «چپ»و راست انجام گرفته و میگیرد، بار دیگر موضع اصولی و انقلابی رهبری انقلاب را تاکید کرده است.

گرارش مراسم بزرگداشت...

کارگران، زحمتکشان، اعضا، هواداران و دوستان حزب‌توده‌ایران مزار شهدا را طواف می‌کنند، بر گورها گل می‌نشانند و در حالی‌که از کمیته امام در بهشت‌زهرا سپاسگزارند که در حفظ نظم کمك ارزنده‌ای مبذول داشت، مراسم پایان می‌گیرد.

می‌آییم، پلاکاتی جلویه‌درحرکت است. عکس روزبه‌است. زیرش نوشته‌اند:

نمیرم و نمیرند
هرآنکس ره خلق‌گیرند

کارگران، کنارم حرکت‌می‌کنند، می‌خوانند:

روزبه خودش یك قهرمان است
برای خلق‌ها،
عملش یك سرمشق است برای نسل جوان ما،
آرمانش یك پرچم است بـــرای طبقه ما،
نامش یك نداست برای اتحاد و مبارزه همگی ما!

کسی دست پشانه‌ام می‌گـذارد. نگاه می‌کنم. آه، این روزبه‌است. کنار من است. کنار همه است. دست روی شانه همه دارد و لبخند می‌زند. با من می‌آید، باما می‌آید. می‌گویم:

دستم را محکم بگیر رفیق روزبه!

می‌آئیم و مردگان در رستاخیـز گام‌هایمان بیدار می‌شوند، ما به‌فتح جهان نو میرویم.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

برای افراد زیادی‌ازخوانندگان «مردم»، از دوستاران حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌هائی در بارهٔ تاریخ حزب، سیاست حزب و مواضع حزب نسبت به‌مسائل گوناگون پیش می‌آید. در این‌پس روزنامه «مردم» ستونی می‌گشاید، زیـر عنوان «پرسشها و پاسخ‌ها»، و در این ستون کوشش به‌عمل خواهد آمد به‌پرسش‌هائی کـه از طرف افراد مختلفی، به‌یکسان و یا تقریبا یکسان مطرح می‌شود، پاسخ داده شود.

از خوانندگـان «مـردم» و دوستاران حـزب خـواهشمندیم پرسش‌های خود را به‌دفتر روزنامه مردم ارسال دارند.

تایید کمیته‌های امام و...

این کمیته‌ها در لباس پاسداران انقلاب جان خویش را به‌خطر می‌اندازند، تـا امکان توطئه را از ضدانقلاب سلب کنند و به‌بهای خواب و راحت خویش، آرامش کشور و هم‌میهنان خود را تامین‌نمایند. چه‌بسا از این جوانان پرشور انقلابی، که در این چند ماهه اخیر، آماج کین دشمنان قرار گرفته و در دل تاریکی شب به‌ضرب گلوله‌های ضدانقلاب از پای درآمده و شهید شده‌اند.

تردید نیست که ضدانقلاب، و در رأس آن اعضای ساواك، از هر فرصتی بـرای رسوخ در صفوف انقلابیون، هم به‌منظور کسب اطلاع و هم به‌منظور خرابکاری استفاده می‌کنند. کمیته‌های امام هم، که یکی از ستون‌های انقلاب‌اند، طبعا از خطر نفوذ دشمن برکنار نمانده‌اند و عناصر ارتجاعی و ساواکی‌های مزدور و افـراد فرصت‌طلب به‌طـور ناشناس بدون این کمیته‌ها راه یافته و با ارتکاب اعمـال منافی با روح مرزه انقلاب، سعی دردپدنام ساختن کمیته‌ها کرده‌اند و اینجا و آنجا در کار دولت مشکلاتی پدید آورده‌اند. اما این یکی از شگردهای دشمن است که با نفوذ در ستونهای استوار انقلاب، آن را سست کند، مردم را نسبت بدان بدبین و بی‌اعتماد سازد، به‌تدریج آن را از هم فـرو پاشد و در شرایط مـاعد، ضربه قطعی را بر انقلاب وارد آورد. درمورد کمیته‌های امـام هم ضدانقلاب در کار اجرای چنین نقشه‌ای است، که باید در برابر آن کاملا هشیار بود.

در این کـه عناصر نامطلوب به‌درون کمیته‌ها راه یافته‌اند، تردیدی نیست و به همین علت هم، امام خمینی چندین بار تصفیه کمیته‌ها را توصیه نموده است. این توصیه امام خمینی، که بسود انقلاب و حفظ دستاوردهای آن است، باید بدون مسامحه و تعلل و با دقت انقلابی انجـام شود: دست دشمن و عناصر فرصت‌طلب از کمیته‌ها قطع گردد و افراد فداکار و صمیمی و انقلابی در عضویت کمیته‌ها باقی بمانند.

مصلحت انقلاب پاکسازی کامل کمیته‌ها را طلب می‌کند و این امر باید انجام گیرد. اما دشمن، که نه از نارسائی‌ها، بلکه تنها از قاطعیت کمیته‌های امام و نقش موثر آن‌ها در کشف، پی‌گیری و بازداشت عناصر وابسته به رژیم سابـق خشمگین است، از یاشو آده‌های خود را به‌منظور خراب‌کاری وارد کمیته‌ها کرده است و از سوی دیگر، با تبلیغ وسیع در پاره نقائص کار کمیته‌ها و بزرگ جلوه دادن آن، می‌خواهد تیشه بریشه آن‌هـا بزند و این بازوهای توانا را از پیکر انقلاب جدا سازد، تا راه برای اهداف شوم آن هموار شود.

همانطور که امام خمینی یادآور شده است، تا زمانی که دولت براوضاع تسلط کافی ندارد و به‌علت دشواری‌های دوران گذار، نمی‌تواند وظایف خود را همه‌جانبه به‌انجام رساند، وجود کمیته‌ها ضروری است، باید آن‌ها را تقویت کرد و نـه تضعیف. نخستین گام برای تقویت آن‌ها، پاکسازی‌شان از عناصر ناباب و گرفتن حربه تبلیغ سوء و خصمانه، از دست‌دشمن است. حـزب ما ضمن تاییـد کمیته‌هـا، خواستار تصفیه کامل آن‌ها از عناصر مخرب و استفاده جو است، تاضدانقلاب نتواند سلاح زنگارسته خود را علیه‌انقلاب به‌کار اندازد.

با اقدامات قاطع انقلابی...

پیچیده نشده است.

سخنگوی دولت رسما اعلام کرده است که لیست ۵ تا ۸هزار تن از افراد ساواك در اختیار دولت است وجود این عناصر تبهکار و آدمکش در میان مردم‌وفعالیت آزادانه آن‌ها خطربزرگی برای انقلاب و دستاوردهای آن ایجاد می‌کند. رویدادهای دوران پس از انقلاب بروشنی نشان‌می‌دهد که عمال ساواك منحله در اکثر، توطئه‌ها، غائله‌ها، ترورها و تبهکاری‌ها مستقیم‌دست دارند. این عناصر پیوسته با یکدیگر در تماس هستند و در واقع یك نوع تداوم و ادامه‌کاری سازمان منفور خود را حفظ کرده‌اند و برای فعالیت ضدانقلابی، زیر رهبری سیا، خود نقشه های منظم طرح می‌ریزند.

این دژخیمان رژیم سرنگون‌شده را باید با قاطعیت انقلابی از میان مردم طردکرد، باید با اقدامات فوری و بایاری‌گرفتن از توده‌های مردم هرچه سریعتر به‌فعالیت ضد انقلابی این عناصر پایان داد.

کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب‌خوشبختانه به‌وظایف خود در این زمینه عمل می‌کنند، ولی خونسردی برخی مقامات مسئول دولتی در قبال فعالیت آزادان‌تبهکاران‌حرفه‌ای، طبعا در میان مردم ایجاد شگفتی می‌کند.

در سراسر کشور کمیته‌های خانواده‌ای می‌توان یافت که دژخیمان ساواك یکـی از عزیزان آن‌ها را به‌قتل نرسانده، زجر و شکنجه نکرده، به‌زندان نیفکنده یا برای سالیان دراز به‌درد دوری از میهن محکوم نساخته باشد.

مردم این جنایات سهمگین را هرگـز براین نابکاران نخواهند بخشود و از دولت انتظار دارند که برای تعقیـب و مجازات آنان، طبق همان لیستی کـه در اختیار دارد، اقدامات جدی به‌کار برد.

نمایشگاه به‌یاد شهیدان‌راه‌آزادی و استقلال ایران با استقبال کم‌نظیر مردم روبه‌رو شده است

روز ۲۱ اردیبهشت، همزمان با برگزاری مراسم سالگردشهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیتهٔ مرکزی حـزب تودهٔ ایران، نمایشگاه به یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران نیز افتتاح شد.

نمایشگاه، ازهمان ساعت افتتاح، بااستقبال کم‌نظیری روبه‌رو شده و تاکنون نه‌فقط عده کثیری از مردم تهران، بلکه بسیاری از مردم شهرستان‌ها نیز از آن دیـدن کرده‌اند و با زندگی و پیکار و شهادت مبارزان راه آزادی و استقلال ایران آشنا شده‌اند.

علاقمندان می‌توانند تاروز ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، از ساعت ۱۵ تا ۱۹، در محـل دانشگاه صنعتی تهران، محوطه بین تالارها، از این نمایشگاه دیدن کنند.

رویدادهای جهان

عموسام، سایه‌به‌سایه صهیونیسم

هرجا که رد خونین پای صهیونیسم و آثار تجاوزها وویرانگری‌های آن مشهوداست، آسان می‌توان سایهٔ عموسام را دید. به‌دیگر سخن، عموسام در همه‌جا سایه‌بسایهٔ صهیونیسم گام برمی‌دارد، حتی ــ وشگفت آن‌که ــ درمجمع‌جهانی بهداشت! همانطور که کاخ سفید، جنایات محمد رضا پهلوی را با پیام «بهرحال می‌بایست امنیت‌برقرار می‌شد»، تایید می‌کرد، تجاوزهوایی وزمینی اسرائیل را به سرزمین‌های عربی،بمباران و کشتار فلسطینی‌ها و مردم لبنان را نیز که جرمی به‌جز دفاع از استقلال، حاکمیت وحقوق مشروع و طبیعی خود ندارند، صحه می‌گذارد! وآنچه دراین میان درخور تامل و شگفتی است، این است که امریکا از ملت‌ها و اقوامی که در معرض تجاوزات و جنایات نظامات و افراد تحت حمایت او قرار می‌گیرند، متوقع است که زبان به‌اعتراض نگشایند!

امریکا سازمان جهانی بهداشت را، که در ژنو تشکیل شده است، تهدید کردکه اگر کشورهای عرب دراین اجلاس مجازات‌هائی را علیه اسرائیل در نظر گیرند، این سازمان را ترك خواهد کرد.

رئیس هیئت امریکا در ژنو این تهدید را پیش از آن‌که برای تبادل نظـر به‌واشنگتن عزیمت کند، عنوان کرد.

همزمان با این تهدید، امریکا به‌منظور حمایت بی‌دریغ از اسرائیل، تـبادل نظرهای خصوصی خود را در باره تقاضای تشکیل جلسه شورای امنیت ازطرف لبنان به‌منظور بررسی وضع جنوب این کشور، آغاز کرد.

لبنان خواستار آن است که نیروهای سازمان ملل دراین ناحیه، ماموریت خود را به‌طور کامل انجام دهند. غیر نظامیان مسلح راسترکا ــ که زیر حمایت اسرائیل هستند، قسمتی از نوار مرزی را متصرف شده‌اند واز انجام ماموریت نیروهای سازمان ملل ممانعت به‌عمل می‌آورند.

در زیر همین چتر حمایتی امریکا است که غیر نظامیان مسلح راست‌گرا یـك شهر زیر نظارت فلسطینی‌ها را در جنوب لبنان گلوله‌باران کردند. وبرائر این‌گونه حمایت‌ها است که هرروز فجایعی تازه وتازه‌تر در سرزمین‌های مورد تجاوز یا تحت اشغال اسرائیل به‌وقوع می‌پیوندد. چنان‌که به‌گزارش آسوشیتدپرس، مقامات لبنانی اعلام کردند که برائر انفجار یکی از بمب‌های خوشه‌ای، که در جریان حملات اخیر اسرائیل برجنوب لبنان افکنده شده است، هشت کودك لبنانی به‌قتل رسیده‌اند و شش تن دیگر مجروح شده‌اند! به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، در نواحی مرکزی جنوب لبنان نیز برائر بمباران‌های اخیراین ناحیه از طرف اسرائیل و نیروهای سرگرد سعد حداد، مزدور به‌اصطلاح لبنانی او، به‌نفر به قتل رسیده‌اند و هشت تن دیگر زخمی شده‌اند.

از طرف دیگر تانیوگ، خبرگزاری یوگسلاوی، اعلام کـرد که اسرائیـل زرهپوش‌های خود را به منطقهٔ بنت جبیل، در داخل خاك لبنان، وارد کرده است. تانیوگ سپس تصریح کرد که مناخیم‌بگین بدین وسیله می‌خواهد لبنان را به‌پذیرش پیشنهاد صلح ماوزراته خود مجبور کند.

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، صهیونیست‌های اسرائیل ، بندر صور و چندین شهرك لبنانی را زیر آتش گرفتند، در حالی که از طرف دیگر، شبه نظامیان مسیحی راست‌گرای، در جنوب این کشور به سربازان هلندی پاسدار صلح سازمان ملل حمله کردند.

به‌گزارش آسوشیتدپرس، پر پی حملات دریایی و هوایی اسرائیل به لبنان، رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد، با نمایندگان امریکا و کویت دراین شورا وهمچنین نمایندگان هشت کشوری که در نیروی پاسدار صلح سازمان ملل در لبنان شرکت دارند، گفت وگو کرد.

الازهر «مسلمان» آب در آسیاب صهیونیسم می‌ریزد!

داستان توجیهات و تظاهرات «اسلامی» معاویه‌گونه در تاریخ تکرار می‌شود و برای این‌کار، پیغمبر اسلام و قرآن، مزورانه مورد استناد قرار می‌گیرند!

دانشجویان (مجلوب یا مرعوب!) دانشگاه اسلامی الازهر، بیانیه‌ای انتشار دادند و درآن پشتیبانی خود را از پیمان صلح سادات و اسرائیل اعلام کـردند و بی‌اعتناد سازد، به‌تدریج از آن را از هم فـرو پاشد و در شرایط مـاعد، ضربه قطعی را بر انقلاب وارد آورد. درمورد کمیته‌های امـام هم ضدانقلاب در کار اجرای چنین نقشه‌ای است، که باید در برابر آن کاملا هشیار بود.

در این کـه عناصر نامطلوب به‌درون کمیته‌ها راه یافته‌اند، تردیدی نیست و به همین علت هم، امام خمینی چندین بار تصفیه کمیته‌ها را توصیه نموده است. این توصیه امام خمینی، که بسود انقلاب و حفظ دستاوردهای آن است، باید بدون مسامحه و تعلل و با دقت انقلابی انجـام شود: دست دشمن و عناصر فرصت‌طلب از کمیته‌ها قطع گردد و افراد فداکار و صمیمی و انقلابی در عضویت کمیته‌ها باقی بمانند.

مصلحت انقلاب پاکسازی کامل کمیته‌ها را طلب می‌کند و این امر باید انجام گیرد. اما دشمن، که نه از نارسائی‌ها، بلکه تنها از قاطعیت کمیته‌های امام و نقش موثر آن‌ها در کشف، پی‌گیری و بازداشت عناصر وابسته به رژیم سابـق خشمگین است، از یاشو آده‌های خود را به‌منظور خراب‌کاری وارد کمیته‌ها کرده است و از سوی دیگر، با تبلیغ وسیع در پاره نقائص کار کمیته‌ها و بزرگ جلوه دادن آن، می‌خواهد تیشه بریشه آن‌هـا بزند و این بازوهای توانا را از پیکر انقلاب جدا سازد، تا راه برای اهداف شوم آن هموار شود.

همانطور که امام خمینی یادآور شده است، تا زمانی که دولت براوضاع تسلط کافی ندارد و به‌علت دشواری‌های دوران گذار، نمی‌تواند وظایف خود را همه‌جانبه به‌انجام رساند، وجود کمیته‌ها ضروری است، باید آن‌ها را تقویت کرد و نـه تضعیف. نخستین گام برای تقویت آن‌ها، پاکسازی‌شان از عناصر ناباب و گرفتن حربه تبلیغ سوء و خصمانه، از دست‌دشمن است. حـزب ما ضمن تاییـد کمیته‌هـا، خواستار تصفیه کامل آن‌ها از عناصر مخرب و استفاده جو است، تاضدانقلاب نتواند سلاح زنگارسته خود را علیه‌انقلاب به‌کار اندازد.

به‌گزارش یونایتدپرس، دولت کویت نیز در ادامه تشدید مبارزات اقتصادی با مصر وبه منظور اعتراض به پیمان اسارت‌بار سادات با بگین، اعلام کرد که مبلغ یك میلیارد دلار سپرده‌های بانکی خود را از بانك‌های مصری خارج خـواهد کـرد. واشنگتن پست ضمن انتشار این خبر با استناد به قول منابع آگاه امریکایی نوشت که این اقدام کویت که حاکی از

کدام نیروها علیه حزب تودهٔ ایران در تکاپو هستند و این روش‌ها در آخرین تحلیل به سود کیست؟

حمله بحزب تودهٔ ایران، استفاده از تمام وسائل برای ایجاد یك جو ضد توده‌ای، تا آن‌جا که از طرف نیروهای راست و دشمنان واقعی خلق‌های ایران و انقلاب کبیر ایران انجام می‌یابد، موجب تعجب نیست. کینه و خشم آن‌ها علیه حزب تودهٔ ایران تازگی ندارد. از محمدرضا، رئیس دژخیمان و سرسپرده امپریالیزم، کـه سلطنتش مخلوق سیا بود و حیاتش درگرو پشتیبانی ساواك ــ موساد ــ سیا، تا بقایای آن رژیم فاسد و یا عناصر ارتجاعی، که برحسب ماهیت ذاتی خویش خواه و ناخواه در کنار بقایای این رژیم قرار می‌گیرند، همه باتفاق هم و با یك صدا علیه صادق‌ترین و خدمتگذارترین حزب نسبت بـه سازمان‌های مردم محروم، فریاد و فغان برمی‌آورند.

از این گروه‌ها و عناصر شناخته شده بگذریم، که از سمت راست حزب ما رامورد حمله قرار می‌دهند. در کنار آن‌ها دو گروه دیگر نیز زیر شعارهای «چپ» و با استفاده از اصطلاحات مارکسیستی، از سمت «چپ» بـروی حـزب مـا آتش گشوده‌اند.

گروه‌نخست چپ‌نماها هستند:مائوئیست‌ها، تروتسکیست‌ها، آنارشیست‌ها. اینها (قطع نظر از افراد باحسن نیت، ولی شسته‌شده‌ای که اینجاو آنجا بینشان پیدا می‌شود) بـه‌طور عمده می‌دانند چه می‌کنند و آب در آسیاب چه نیروها می‌ریزند. تروتسکیست‌ها از تروتسکی الهام می‌گیرند، کسی کـه حتی در سال ۱۹۳۷، هنگامی که فاشیزم دنیا را با جنگ جهانی تهدید می‌کرد و می‌بایست تمام نیروها علیه فاشیزم متمرکز شود، این یهودا با نوشتن‌رساله‌هائی‌ازقبیل «اخلاق آن‌ها و اخلاق ما»، یك هدف را تعقیب می‌کرد: تفرقه افکنی ازطریق‌ایراد اتهام به‌اتحاد شوروی، به‌عنوان این‌که: چرا باید شوروی با نیروهای دموکرات اروپا علیه فاشیزم متحد شود، و برانگیختن این نیروها علیه اتحاد شوروی، اتهام زدن به‌قیام انقلابی مردم اسپانیا و نظائر آن. او خوب می‌دانست چه می‌گوید و چـه می‌کند و آب در آسیاب کدام نیروها می‌ریزد، همانطور که پیروان رنگارنگش امروز همان هدف تفرقه افکنی را به‌شیوه استاد خودو در جو دیگری و محیط‌دیگری تعقیب می‌کنند.

مائوئیسم و ماهیت آن بذهن نسل جوان ما نزدیکتر است. جانشینان مائو اینك‌به‌طور کامـلا روشن و آشـکار دست در دست امپریالیست‌ها و سیاه‌ترین نیروهای‌ارتجاعی جهان به‌پیش می‌تازند. کار و وظیفه آن‌ها تفرقه‌افکنی بین نیروهای انقـلابـی در سراسر جهان است. آن‌ها علیه تمام نهضت های نجات‌بخش، در کنار نیروهای ضـد انقلاب قرار می‌گیرند، با تمام قـوا علیه صلح جهانی توطئه می‌کنـند، روش‌هـای تجاوزکارانه آن‌ها مایهٔ بالارفتن تشنـج جهانی است و آنچه این دار و دسته علیه ویتنام قهرمان انجام داده و میـدهنـد نموداری است از ماهیت واقعی آن‌ها.

ملتی بلافاصله پس‌از جنگ دوم جهانی علیه سلطه امپریالیزم فرانـه به‌پا خاست، سال‌های متمادی فشار خردکننده جنگ را بردوش خود تحمل کرد، وآنگاه‌که فرانـه داشت به‌زانو درمی‌آمد، خود را بانیروهای مسلح امپریالیزم امریکا،که‌داعیه‌سرکردگی امپریالیزم جهانی را داشت و دارد، مواجه دید، سال‌های متمادی علیه‌این‌غول‌خونخوار دست و پنجه نرم کرد و با کمك همه‌جانبه تمام نیروهای صلح و مترقی و طرفداران آزادی خلق‌ها، و خاصه اتحاد جماهیـر شوروی، برآنچنان دشمن قوی‌پنجه فایق آمد و آن‌را از سرزمین خود راند ــ علیه اینچنین مردم قهرمانی است که اینـك سردمداران مائوئیـسم دسـت به‌فـتنه و خرابکاری وتجاوز زده‌اند. پیروان ایرانی آن‌ها نیز در مقیاس ایران مامورخرابکاری و نفرقه‌افکنی هستند، و راهی که برای آن‌ها باز است حمله‌ی ناجوانمردانه به‌حزب توده ایران است، منتها در لفافه اصطلاحات و شعارهای چپ‌روانه و چپ‌نمایانه.

بنابراین حمله این گروه‌ها و دستجات به‌حزب تودهٔ ایران نیز یك امر غیـر منتظره نیست و حداقل سردمداران آن‌ها خوب می‌دانندکه در خدمت چه‌نیروها و به‌سود چه نیروها عمل می‌کنند. بنابراین از این دو گروه چپ‌نما، که آشکارا دست دردست راست‌ترین جناح‌ها دارند، بگذریم وآن‌ها را به‌حال خود بگذاریم.

آنچه به‌واقع باعث تاسف عمیق ماست، نحوهٔ عمل گروه‌های، چپ‌گرا و آن‌هائی است که مارکسیسم ــ لنینیسم را راهنمای

بقیه درصفحهٔ ۶

سرسازی دولت توجیه ندارد

اخیراً ضد انقلاب برای ایجاد رعـب و وحشت، به‌ترور شخصیت‌های معروف‌انقلاب دست زده است: نخست، ترور سپهبد قرنی و سپس ترور آیت‌الله مطهری. این ترورها به‌حق اذهان عمومی را نگران ساخته‌است. مردم البته می‌دانند که در پشت سر این ترورها، همان‌طور که امام خمینی هم‌تاکید کرده‌است ــ امپریالیسم امریکا و عمـال ایرانی آن‌ها قراردارند. ولی مردم در عین حال می‌خواهند این توطئه‌گران هرچـه زودتر افشا و سرکوب شوند.

اما دولت در قبال اذهان متجسـ مردم، سکوت کرده است. در مورد ترور سپهبد قرنی، روزنامه‌ها از قول مقامات مسئول نوشتند که گویا کسانی به‌اتهام قتل‌دستگیر شده‌اند، و در مورد ترور آیت‌الله مطهری نیز بازداشت چند نفر به‌اتهام دخالت در ماجرا اعلام شد. ولی این‌که این افـراد چه کسانی هستند، وابستگی‌شان‌به‌امپریالیسم و سازمان‌های جاسوسی آن و بقایای ساواك چگونه است، هیچ‌گونه اطلاعی در دسترس مردم قرار نگرفت.

البته ما منکر آن نیستیم که دولت برای تحقیق در این‌گونه موارد، نیاز به‌فرصت دارد و تاکتف کامل جرم و شناسائی‌متهمان رازداری تاحدودی ناگزیر است و طبعا نمی‌توان اطلاعات به‌دست‌آمده را در هـر گام در معرض اطلاع همگان قرار داد، زیرا ادامه تحقیقات را آسیب‌پذیر می‌کند، ولی حرف ما این‌است که آن میـزان اطلاعاتی را هم که انتشار آن زیانی به جریان پیگرد و بازجوئی نمی‌زند و باید به‌اطلاع افکار عمومی برسد، دولت از مردم دریغ کرده است. این نحوه سرسازی، که تاکنون از جانب مسئولین امر دنبال شده است، این زیان را به‌بار آورده کـه از یك‌سو به‌تحریف، اتهام‌زنی و تحریك میدان داده و از سوی دیگر به‌انحراف افکار عمومی از مسیر صحیح کمك کرده است.

ضد انقلاب با سوء استفاده از شیوه نا‌درست سرسازی دولت و سکوت او، نیرو های راستین انقلاب را متهم به‌شرکت در این‌گونه توطئه‌های ناجوانمردانه و ضـد انقلابی می‌کند، برای فتنه‌انگیزان و شایعه سازان میدان باز می‌ماند تا از هر حادثه تعبیرهای گوناگون کنند و به‌هر ترتیب که مایلند و علیه هرگروه و سازمان‌سیاسی که به‌خواهند، شایعه‌سازی نماینـد و در نتیجه اذهان عمومی را به‌بیراهه وکجراهه بکشانند.

از این بدتر تاسف‌بارتر آنست که برخی از مقامات مسئول، نه‌تنها ازتوضیح لازم برای روشن شدن افکار عمـومی دریـغ می‌کنند، بلکه با اظهار نظرهای نادرست و بی‌موقع برابهام قضیه می‌افزایند. مثلا در مورد ترور آیت‌الله مطهری، شخصیت مسئولی مانند نخست‌وزیر، قبل از پـایان تحقیقات در باره شناسائی متهمان وصدور مدارك قطعی دادگاه صالحه، ترور را بـه مارکسیست‌ها نسبت‌داد، که این فتوای‌ناحق موجب سوء استفاده‌های فراوان شد.

انتظار مردم از دولت آنست که بیشتر احساس مسئولیت کند، افکار عمومی را در همه موارد در جریان صحیح رویدادها قرار دهد، مردم را بیگانه از دولت ندانند و میان خود و مردم دیوار نکشد. مردمی که با آن فداکاری بی‌مانند انقلاب ایران را به‌پیروزی رساندند، بیش از هرکس حق دارند که به‌موقع از ماجراهای پشت پرده آگاه شوند و ضد انقلاب را تحت هرنام و در هر لباسی بشناسند و سرکوب کنند. نباید مردم را در بی‌خبری‌نگه‌داشت و به‌هشیاری انقلابی آنان لطمه‌زد. مردمی که بهار آزادی را ارمغان آوردند، بهترین پاسداران آنند.

حربهٔ ضد انقلاب را درسوء استفاده از نارضائی بیکاران را خنثی کنیم

آقای فروهر، وزیرکار، در آخرین‌مصاحبه خود خبر خوشی داد که عده بیکـاران روبه‌کاهش است وحتی‌به‌کم‌تر ازیك‌میلیون نفر رسیده. برای میلیون‌ها زحمتکشی که ماه‌ها است با گرسنگی‌وفقر دست‌به‌گریبانند و کار روزانه تنها راه تامین درآمـد و غذا و پوشاك برای خانواده‌های آن‌ها است، این خبر بـی مسرت‌بخش است. در چشمان آن یك میلیون نفر بیکار دیگر و چند میلیون نفر اعضای خانواده آن‌ها هم اکنون نور امیدی می‌درخشد که شاید آن‌ها هم هرچه زودتر به‌کار و نـان برسند. البته در این‌جا،علاوه بروام‌بیکاری و کمکی که داده می‌شود و برخی طرح‌ها و کارخانه‌ها که به‌راه افتاده و کاری را تامین کرده، ضرور است که دولت هرچه قاطع‌تر و در ضمن سریع‌تر برنامه جدی توسعه اقتصادی سالم و همه‌جانبه کشور را تدوین کند و به‌مورد اجرا گذارد، زیرا که جز از این راه نمی‌توان کارمطمئن و دائم برای کارگران کشور و برای جوانانی که مرتبا وارد بازار کار می‌شوند، تامین کرد.

وعده‌ای‌که آقای فروهر در زمینه ملی کردن موسسات مختلف و کوتاه‌کردن دست پهلوی ها و غارت‌گران وابسته بـه‌این سلسله ننگ و طاغوتیان معدوم داد، ــ که امیدواریم‌باگسترش این تدبیر صحیح در مورد سرمایه‌داران وابسته‌به امپریـالیسم‌و غارت‌گران فراری نیز تکمیل‌شود ــ نشانه ای‌است از روشی، که اگر قاطعانه انجـام شود، هم پشتیبانی همه میهن‌پرستان را جلب خواهد کرد و هم سنگ بزرگ و عمده‌ای را از سر راه رفع مشکل بیکاری‌برخواهد داشت.

پس کاری جدی و قاطع در پیش روی است، که البته کار یکی دو روز نیست، چرا که ریشه‌کن کردن بیکاری به‌عوامل بسیار عمیق اقتصادی و اجتماعی وابستگی دارد، در نتیجه نمی‌توان ظرف مدتی کوتاه به‌حل کامل آن امید داشت. ولی آیا این واقعیت می‌تواند به‌معنای کوچك‌ترین تعللی در امر توجه به‌رفع بیکاری و کمك به بیکاران باشد؟ نه! اولا به‌خاطر زندگی خود این میلیون‌ها هم‌وطن زحمتکش‌ما؛ ثانیا به‌خاطر سوءاستفاده‌ایکه عوامل ضـد انقلاب و سرسپرده امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم ساقط شده ازآن‌می‌کنند این نکته دوم به‌هیچ وجه کم اهمیت نیست. کمیته مرکزی حزب توده‌ایران مدت‌ها است حدت و فعلیت آن‌را در اعلامیه خود خاطرنشان ساخته و «مردم» نیز بارها اهمیت آن‌را برای حفظ دستاوردهای انقلاب یادآوری کرده است.

ضد انقلاب در لباس‌های گوناگون عمل می‌کند: از ترور و آدمکشی گرفتـه تا خرابکاری اقتصادی، از شایعه‌پراکنی ونفاق افکنی گرفته تا برانگیختن نارضائی هـا درجهتی که‌دهبری‌انقلاب‌و شالوده‌های‌انقلاب را تضعیف کند. سوء استفاده از وضع‌بسیار دشوار بیکاران، که خواست‌های حقه‌ای دارند، از جمله همین شگردهای اخیراست. واقعا باید به‌وضع بیکاران رسید و بـا برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت به‌سوی

بقیه درصفحهٔ ۳

صحنه‌ای از مراسم بزرگداشت خسروروزبه

با اقدامات قاطع انقلابی باید بی‌درنگ به فعالیت ضدانقلابی عمال ساواك پایان داد!

رژیم اهریمنی پهلوی توانسته بود فرومایه ترین، تبهکارترین و منحطترین عناصر خود فروخته را به‌کار در سازمان جهنمی ساواك بگمارد. در سراسر تاریخ جامعه میهن ما هیچ سازمانی را نمی‌توان سراغ کـرد که در ددمنشی و درنده‌خویی، در سفاکی و آدمکشی به‌پای ساواك برسد. تا اسناد و مدارك مربوط به‌جنایات مخوف ساواك در دسترس افکار عمومی قرار نگیرد، مردم ایران و خلق‌های جهان نمی‌توانند، چنان که باید و شاید، تصور کاملی در باره عمق ماهیت ابلیسی دژخیمان این سازمان به‌دست‌آورند.

انقلاب پیروزمند مردم ایران به‌رهبری امام‌خمینی، موجبات لازم برای ریشه‌کن ساختن سازمان ساواك را فراهم آورد. مردم انتظار داشتند که نخستین گام دولت جدید اقدام قاطع برای برچیدن کامـل بساط این مظهر ستمگری و زجر و شکنجه مبارزان انقلابی و قاطبه مردم ایران باشد. خود مردم در روزهای خونین انقـلاب توانستند ضربات درهم شکنی برپیکرننگین ساواك وارد سازند و بطور کلی آن‌را از میان بردارند. ولی طومار این سازمان آفریده استعمار و استبداد هـنوز درهم

بقیه درصفحهٔ ۷

تأئید کمیته‌های امام و پاکسازی آن‌ها، به‌سود انقلاب است

کمیته‌های امام مولود انقلاب‌اند. تولـد آن‌ها ضرورت ناگزیر شرایط و اوضاع و احوالی است که ارتش به‌دست‌توانای خلق از پای درآمد، نیروهای شهربانی و ژاندارمری، که در شرایط عادی وظیفه حفظ نظم شهرها و روستاها را دارند، به علت تابعیت ضدخلقی‌شان، زیـر ضربات درهم‌کوبنده انقلاب از هم پاشیدند، دولت با هزاران کلاف سردرگم دشواری‌ها، که ناشی از شرایط پس‌از انقلاب است، روبرو بود و اکنون نیز هست. در چنین‌برهه‌ای از زمان، کمیته‌های امام، به‌عنوان‌بازوهای انقلاب، برای سرکوب ضدانقلاب‌وپاسداری از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم‌ایران وارد عمل شدند. هیچ عنصر انقلابـی و میهن‌پرستی نمی‌تواند خدمات کمیته‌ها را در کمك به پیشبرد اهداف انقلاب انکار کند. این کمیته‌ها پاسداران امنیت‌کشور در برابر توطئه‌ها، خرابکاری‌ها و واژگون سازی‌های ضدانقلاب‌اند. این کمیته‌هـا چشمان تیزبین امام خمینی، رهبرانقلاب، در کشف و سرکوب فعالیت‌های شوم ضد انقلاب‌اند، این کمیته‌ها در شرایط کنونی در رفع مشکلات منطقه خود، یاری‌رساندن به‌مردم و رفع اجحاف و تعدی از مردم نقش موثری ایفا می‌کنند. اعضای صدیق

بقیه درصفحهٔ ۷

با انحصارهای خارجی و سرمایه‌داران وابسته نمی‌توان مماشات کرد

ملی‌کردن این سرمایه‌ها یك ضرورت انقلابی است

تسلط انحصارهای دول امپریالیستی برتمام رشته‌های فعالیت اقتصادی کشور، یکی از پی‌آمدهای ناگزیر سیاست خائنانه و ایران برباد ده رژیم منفور پهلوی بود. درآستانه انقلاب بزرگ مردم قهرمان ایران،انحصار های‌امریکائی به‌تنهائی حدود۵۰۰نمایندگی در ایران دایر کرده بودند و سرمایـه گذاری‌های مستقیم آنان به۷۰۰ میلیون دلار بالغ می‌شد. رژیم دست‌نشانده پهلوی با امریکا بیش از هزار قرارداد اسارت آور منعقد کرده و از این راه تسلـط خونخوارترین امپریالیسم جهانی را بر تمام تار و پود زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور فراهم آورده بود.

تسلط این انحصارها بر اقتصاد کشور، به‌طور عمده، از راه سرمایه‌گذاری‌هـای مستقل و یا مختلط با سرمایه‌های دولتـی و خصوصی و یا از راه بـه‌دست‌آوردن امتیازات در رشته‌های مهمی نظیر صنایع نفت و پتروشیمی تامین می‌شد.سرمایه‌داران بزرگ داخلی، که از پشتیبانی همه‌جانبه رژیم ضد ملی و ضد خلقی‌و ضددموکراتیك شاه مخلوع برخوردار بودند، سهم بزرگی در جلب سرمایه‌های خارجـی و وابسته کردن اقتصاد ایران به‌انحصارها و دول امپریالیستی داشتند و منافع آنان پیوندی ناگسستنی با منافع این انحصارهاو کشورها داشت.

روشن است که بدون پایان دادن به‌این سلطه اقتصادی انحصارهای خارجی و عمال وابسته داخلی آنان، تامین پیشرفت همه جانبه، مستقل و طبق برنامه اقتصاد ملی و

بقیه درصفحهٔ ۵